سلسله نسب خود را در تألیفات خود و بعضی خود بدین ترتیب نوشته است: محمد بن حسن
بن علیرضا بن میرقطب الدین محمد بن اسمعیل بن محمد صادق المدرس الحسینی الهمدانی

میرزا علیرضا و میرقطب الدین و اسمعیل و حسن همه جوار و عمود در محله
وسط قبرستان قم قریب حرم حضرت معصومه که این محله معروف بشیخان
است و بقعه ذکریا بن آدم در آن واقع شده — و نیز همه و بسیاری از اقوام
و اطرافیان ایشان مقبره سبت این سلسله شهیر بوده و دارند و تا حدود
محله ها که با آخوند ملا حسن فیض معاصر بوده و بواسطه انتساب با عرض
حسن اباد عمو خود را ملا هری میگفته است

مرحوم میرقطب الدین محمد دارای دو پسر بوده میرزا علیرضا و میرزا ابوالفضل



میرزا علیرضا دانشمند و شاعر عالی و بسیار فقیه و معاصر فتحعلیشاه بوده و مدتی
قم با مرفتحعلیشاه برای اغراض مقدسه دولتی و دربار تغییر میکرده برای
اغراض از فتحعلیشاه جدا شده که موجود است و دیگر از مرحوم میرزا
ابوالقاسم قمی صاحب قوانین اراضه دارد این خط بدو خویشی دارد
و آثار نامهای دیگر که از خطبه آنها پیدا است خاتم کاشیده فی بیت جدین
اولاد و بهم پیوسته اند از این قرار — حسن پسر علیرضا — حسین عباد
محمد حسن — حسین پسر علیرضا — محمد علی — حسن خانم —
حسن عباد از علمای مشهور و معروف قم بوده و در تبریز بدرود زندگی

داود ولد دوم متعدد داراد باغی با [illegible]

[illegible] میرزا سید حسین سپهر اداره [illegible] باغی بزرگ در [illegible]
اغوی کوچک و یکدختر یکی [illegible] و دختر نوه دیگر

میرزا ابوالقاسم [illegible] حسینقلی دوداراد اقتدار بوده میرزا [illegible]

[illegible] اولاد ارشد [illegible] و دیگر [illegible] باغ [illegible]

میرزا حسن میرزا باشی و یکدختر میرزا [illegible] جلال الدین و یکدختر
میرزا ابراهیم [illegible] یکدختر مرحوم میرزا [illegible] مساوات باغین
یکباغ عیال مرحوم [illegible] علیقلی [illegible] شده که [illegible]
بوده و داراین [illegible] وجود یکباغ [illegible] باغ [illegible]

تاریخ تولد من [illegible] تولد [illegible] در [illegible]

۷

۱۳۰۲ بوده یکدختر از [illegible] شده و یکدختر [illegible]
برحسب تقویم والده ناصر باغین در تولد تقویم [illegible] بوده و باغین تقویم

تولد من در [illegible] ۱۲۹۴ بوده باغی عبدقربانی و غدیر در خانه یکه

واقع است در قرب دروازه [illegible] قم

در سنه ۱۳۰۲ والد مرحوم به سن ۱۳۰۳ حسن سید جواد عزوراه [illegible]

از سن شش سالگی مرا [illegible] معمول و مکتب خانه برای تحصیل گذارده و مشغول التحصیل

فارسی و عربی بودم — ابتداء در مکتب خانه [illegible] دروازه [illegible] قم [illegible] شیخ میرزا

قبل از رمضان ۱۳۰۹ شنوی [illegible] سید [illegible] قم [illegible] در [illegible]
با [illegible] که برای [illegible] بود و با [illegible]
تحویل حضرت [illegible] شاه در [illegible] و [illegible] قم [illegible]

راجب کرده بقم

در صدد سنه ۱۳۰۹ کیانی در شهر بهبهان و نقاط کوه گیلویه ایران را از قشون دولت
و مشغول عملیات گردید و از طرف عمل مدتی به حضور میرزا محمد حسن پیرنیا در تهران
بعد رفته شد که (اینجور بشمال کیانی و دشمنان ایلخانی در حضور ما دیده باید
بمان بهت) مردم عرب بشمال و جانبات دولت ترک کرده ولی بعضی از طایفه بهبهانی
علم یاغیگری برافراخته مخالفت کردند و طغیان حضور میرزا حسن کیانی
اول مرتبه انجام شد و بار دیگر بزرگ امیر کرده غرارا بعبدالحسین بهبهانی که
مخالفت کرد کیانی بشرط وارد بهبهان و در امور داخله دولت دخالت نکرده
و او سنه عبدالحسین والی را از شهر بیرون کرده و خود با دو بلد کیانی
بلکنده و از آنجا جامع لوله مردم را تنها گذاشته بطرف داری رفتند امنیت
حضور مجروح و معتدل شده مراقبت برای اینکه بنا مخالفت بالا گیرد و علما از



غایب کیانی را اخذ کرده تحویل بهبهانی ها دادند

در محرم سنه ۱۳۱۰ در بلاد ایران شایع شد مرخص شده اهل خانه و اقوام
به بهبهان در شهر رجب قبیله کیانی ۱۱ ماه بعد از شایع شدن وقایع
راجب کرده بلد ما بلد بنا فتن نمی شده و کاری از قبایل نمی شده

بعد از تجدد مشروطیت تشکیل شده

در یازدهم شعبان سنه ۱۳۱۱ در طهران در مدرسه سپهسالار اتابک مقتول
و حضور بهبهان شده بود حضور میرزا حسن کیانی مجرمه در ایالتی نمی داد و در ماه بعد

۱۳۱۱ در اندیمشک ساکن شده

قبایحات قدیم را از مخالفت بهبهان و تقویت نمودن ابراهیم بنگاه و فقه
و مجهول و از دواجی و مالیه عبدالحسین مدتی مدیر و مدیر و مدیر و مدیر

[illegible]

[illegible] سه دفعه [illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] میرزا [illegible] [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در ماه صفر سنه ۱۳۱۲ حضرت میرزا علی [illegible] [illegible]

ایران عزادار [illegible] برای [illegible]

در سنه ۱۳۱۳ ناصرالدین شاه معتدل بشه افتاد و از روز [illegible] با رفقا

حضرت عبدالعظیم بود، صبح روز جمعه ۱۷ ذیقعده سال [illegible] قبل

بار شش سال پنجاه و [illegible] سلطنت و [illegible] شاه بهبه [illegible]

[illegible] بود — [illegible] سه [illegible] شاه [illegible]

شاه وارسته و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]



[illegible] و میرزا [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] میرزا که [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شاه و [illegible] [illegible] [illegible]

مظفرالدین شاه وارد طهران شد

در سنه ۱۳۱۴ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که با این طلاب به مسجد با دعاهای ماهیچه واقع شده غوغا کرده
عمامه‌ها را بر سر مسجد او رده و با طلاب غوغا کرده با مسجد
روی از آنها جمعه آخر تو رده با یک نفر نشسته حرف دلالی در مسجد
با توقیف کرده آنها جمعه رو رده با یک جمعیتی در منزل خود جمع کرد
کبریت قناسه را از توقیف در آورده و عمامه طلاب هم مجدد او در مسجد
مسجد جمع شده و قلع بنا را کبریت خواستند جمعیت در مسجد زیاد
شده بنا را رو راه نشستند و عمامه غوغا کرده از آنجا بیرون تا اینکه به تکرار
عمامه رستخیز از شاه صادر شده که مسجد بهمان قرار طلاب واگذار رود
که با گفتار عمامه مسجد را اداره کنند — فی در ابراقه رده مسجد
مسجد رود و دعاها را دیده — ۱۲۸۵ ابر ترکیب



قهرا جمع کثیری از اهالی شده — در این اوقات معین میرزا حاکم خلخال
بزرگ شده و در بحبوحه اینکه میرزا ابوالقاسم بروجردی با او کرده بوده و
طلاب هم بعض غلبه حرارت جمع بوده حرف در مسجد و خدمت با او
معین میرزا ابوالقاسم بروجردی بر معین میرزا ابوالقاسم طلاقتری عمامه
مطرح الانظار را در مقابل ترویج کرده و ترکیب عمامه ناصری را
با دو دو و ملا عبدالرحیم معین میرزا اهالی روز بروز زیاد تر شده و عمامه
رفته در بر کشتی بعقبای شاه باقی کرده —

در سنه ۱۳۱۵ میرزا علی اصغر خان صدر اعظم و معین الوزراء رفته ابن الدوله
بصدارت منصوب شده معین میرزا حاکم و معین الوزراء حاکم خلخال از
عمامه کبریت قناسه کرده در مسجد بروجردی گذارده و این را عنوان کرده

دفعیل بجهت داده برای اینکه ابن الدوله را قبول کنند و بعد به اراده خود طرف
عتبات خواهند رفت ابن الدوله جشنی نکرد و جواب تشت را بهمراه
حرکت داد است و بهم فتح آباد مجمعه الدوله اکبر اعوض قشنی همراه
ناصر الدین شاه بخانه خود برد و مابین انها تفرقه افتاد و این قضیه باعث
و در سال ۱۳۱۶ ابن الدوله معزول و به تشت رفت و بهمراه فرنگ
ملک خود شتافت و در آنجا بود تا در اواخر قعده ۱۳۲۳ مرحوم شد —
بعد از قبول ابن الدوله میرزا علی اصغر خان امین السلطان شد —
در سال ۱۳۱۵ بهمراهی اخی فتح الله خان سپهر بسفارت پاریس رفت

در محرم ۱۳۱۶ اخی را فراخواند — در ۹ صفر همان سال ۱۳۱۶ امین السلطان
حسن و عده سه مرتبه عمر مجرمه داد — در این اوقات شرح
قضیه اخذ و قتل امین الملک را بخط شیخ مفتاح الدین
نوشته و مرحوم میرزا ابوالحسن ادیب پیشاوری و شیخ مفتاح الدین
بهمراه ناصر الدین شاه بمازندران رفتند و در رسائل وقعه نزد حسن میرزا

نسخه اول مجرمه
که فعلا موجود
نیست و نسخه
مجرمه داده نزد
همچنین حق مجرمه
ندارد



حسن شیخ را میخواهد —
در سنه ۱۳۱۷ میرزا علی اصغر خان به لقب امین السلطان و فرخ الدوله و بناه اکبر
از دولتها قرض کرد و مهر بتشت رفت و کلیه را برای این کار امورات
داده بود قبل از قبض شدن اموال و املاک ۱۳۱۸ شاه بفرنگستان
رفت و تا بحبوحه قاجاریه و فتنه فرنگ و فرنگی چیزهای غیر منتظره
طبقه بالای عمارات و مالیه امور را بهره تلف شد
در ۱۳۱۸ و ۱۵ مهر ۱۳۱۸ از فرنگستان و مونیخ و بلژیک و پاریس بتشت
آمده و بعد از ورود اسبابها و اثاثیه بیرون آورده و در
ورود بنجره انجا را بگشته قدیمی نگاه کنید و در این حین با بطه خرجیکات تلفن
از همانجا حسن را خواسته و بگفته در بنجره بشکسته می باشد از ورود در این

منزل جدیدی بودم تا اینکه قاریه بسیار ناله و مرده را مشوق کرد
در پنج بیت اول این با تاریخ فوت طهماسب میرزا ابوالقاسم
نوه‌ی بزرگ قاجار سروده کردم

در شب جمعه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۱۹ علی میرزا معین السلطنه
وفات یافت جنازه او را جهت دفن الماده و نعش دولت حضرت
عبدالعظیم بردند روز اول ختم در مدرسه مروی منعقد گردید
حاضر بودم امیر تومان امیرخان امیر تومان که برای برچیدن ختم
آمده بود خواهش کردم سه روز الجهت تا مراجعت میرزا حسن
والگذارد که بعد از این دیگر فی دارالفقه و اصول پیش کسی نخواند و مشغول
تدریس نبود

در ۱۳۲۱ جمادی الثانیه میرزا یحیی امیرخان غزل دیگر فرستاد



وفات وجیه الدوله بجای او صدر اعظم و اتابک شد
در سنه ۱۳۱۹ مجددا از روسی استقراض شد و مبلغ هنگفتی جهت نظمیان چاپی منفع و عهده‌ها
جدید بسته شد گمرکات در مقابل وثوقی اول این مبالغ گمرک بریاست
بلژیکها اداره شد و وجه این وثوقی ام در سنه ۱۳۲۰ شاه بفرنگ تمام شد
در سنه ۱۳۲۲ وبا در کلیه بلاد ایران شایع شد قمی در بیجوجه ناخوش در طهران
بودم لهذا بمجلس ختم در خدمت امین وجیع میرزا محمد تقی پسر عمو بودم و امیرزا
ابوالقاسم بقم رفته چون داده و اقوام به گرمابهای قم که بآب از سیلابها تغذیه
میشد رفته بودند از قم با تفاق بدار فیدی مراجعت طهران کردم

در طهران جزوه تالیف مجد پسر جوینده عضو المنتدی چاپ کلیه ادوات باد
مشورت بود بسیار تمنا نمودم و در اصلاح بنام مجد ذوالمنن کلیه

در واقع که لطفان اهم چون با ارغوان و قصیده سراید و راجع او دو سخن
شعله و پیکان اشاری گفته ام که غالبا با لطیفه و مجلس با واقعه
بوده و با انکه تعریف از او نمی شنوم و با دلها و بعض از اشعار بنویسم

---

ابر بهار جهان نگار توشه شد قفقفه — با ساغری بیار توشه شد قفقفه
باغ جهان تازه شد ز فیض خزانی — تنگ گلبانی بیار توشه شد قفقفه
آبی بپاش بر لاله بگیر و بیار — بادی خوشه ای بیار توشه شد قفقفه
دانه بپاشی دوا نبود و بگیری بهانه — صیدی اگر بیار توشه شد قفقفه
با خلق کی معاشرت ابنا بجنگ — جنگی که خاص توشه شد قفقفه
ای مرغ نجت وقت و شبانی غنیمت — وادی اگر بیار توشه شد قفقفه
چون آفتاب روی تو با همچو لاله رخ — ای ماه تک ز روزنه توشه شد قفقفه



حیرت نبود داد سخنوری — کس ملک ملک توشه شد قفقفه

عاجزی از جز حیرت دادنی نیست — جمع این قوم جز بهانه شنیدنی نیست

هر چه جز عشق صاحبی دیدنی نیست — عاشقی را عشق که او عاشقی نیست

جان فدای چشم آبوست که در کون و مکان — هر چه بینی دلپسند هم تر دانستنی نیست

دهی عاشق طلب یابد از عاشق گزیری — راه و بیراه رفتن و حالت ماندنی نیست

هر که در راه تو جانش داد ابد زنده شد — مرده نشمرد در راه تو قربانی نیست

راه از عشق الی الله گذشتن حیرت است — جز از حیرت عاجزی دانستنی نیست

(ناقص)

از آنکه دم بر نفس بهتر خیمه جانی
هر لحظه هزار خیمش از نوک روانی

چندان ز فراق او بیت حزن بخوانم
کز هر نفسی بر جندا زنانی

با هر نفسی از بار خویش نرانم
کاتش از زبان بر وی اندر دمانی

جز وصل نخواهم در عرض نیرزی
چیزی نه ندارم در هر دو جهان زانی

زان بیان چون قند و زان لبان دلبند
ان نازد و دلبرای و زان غمزه نمانی

از قال خرد چه پرسی اندر زمان بینی
تا خویش را نبینی حال مرا ندانی

دل برد عقل و دینم باد جان بیشی
چون هیچ زان نخوردی باد نخش نمانی

از غمزه بهره بستم خوانی ار نخوانی
با دلبری نشستی در طرف بوستانی

الف

از هر طرف عشق بندی
دانه دهی بدانی



بر پیش اهل نهادم
هر چند بدگمانی

از دست تا به دیگر
در پیش تو بنالم

افزون ز آب دیده
با شه نظر ندارد

در دلش عشق آید
بر وی نمی‌گشاید

هر دانه اشک نهادم
بر آن عاشق نگشادی

چون چاره از تو جویم
آن به که صبر پیش آرم

بنشین و خوش بخوان

با ما بیار باده و جان

ای راحت دو دیده و جسم و جان ما
بیتاب تر ز دیده بیتاب ما

ز بار غم ز اندازی بر گیر — که با بار محنت تو در جهانم

از عشق تو چون دلم دل دانم — بنشست غم ار بدین دانم

نادیده ترا گر نکند یاد — غمخوار دلم تو بر زبانم

از هر چه رسد شکیب دارم — اما ز فراق صبر چون توانم

بر خیز و صبا بی وفا نباشد — از تشنه مرو بدین گمانم

گر تو نروی که بر دهم جان — تا نروی کی ز دل روانم

اندر طلبت گذشت عمری — در کوشش و بیدلی زبانم

## بنشین و دمی کنار بنشان

با همه بار بار و دردهان

باد تو غریو و زار زارش — از فکر تو سینه بیقرارش

از کی تو بکی وا بگیرم — تا دست درآورم در آغوشش



بیچم ز تو عشق بند بندم — در سینه کنی غریو کارش

در حلقه بندگان کمانت — تا هم بنهد حلقه در گوشش

آن پیر طریقت آذرمهر — بیدار و حنیف صبح هوشش

حیرت ز دهم زمانه بگذاشت — در محنت و در نیاز و خوشش

با دل لب بیان ساده — با غرقاب بیاله کی نوشش

آن به چه بیار و دست دل بیت — در حلقه بنوشان و خموشش

## بنشین و دمی کنار بنشان

با همه بار بار و دردهان

## الفنا

تا جان مرا ز دست دلدار کشتم — هم وی دهم و نفس بیازارم

ای دل بیا بیا که طرب و عیش دام ماست — گر مرد و خویش جمله جهان حام ماست

امروز نه دیار عشق که فردا مرا — امروز و حال حاصل و فردا تمام ماست

بر روی چو خورشید خود افکند بیگمان — نقش بهیش شش جهت و دام ما ست

چون غنچه جان نگشت و چون گل شگفته — زان دو بسته گران ما و منی لطف عام ماست

گر بلبل جمال تو چون شمع نیست — گو پروانه بیا و تو فارغ خرام ماست

حال بهشت دانه و یکمی تو شد دام — آن دانه گندم چه و هوی دام ماست

دیوانگی نقش پری چهره تو چه — دیوانه صفت تر همه ذرات عام ماست

از فردوسی خلق جهانی تنگ مرا چه — امروز غمی فردا نام ماست

حیرت شد و جان بر تو گشتی تر نه — گر عشق تو فرمی نبود الام ماست

العبد



ای دل ز کف و دلدار کام ماست — دلبر همه رازان دل شاد کام ماست

زان می که بیاد نرگس دلدار ما — بیکبار ره خانه خمار کام ماست

تا زلف پر چین تو ترسا بچه ما — کعبه و ما کرده و زنار کام ماست

عمری شد از هجر در آزار و داد — زین بود که جرا توخ دل آزاد کام ماست

العبد

ای زلف چه بر آفتاب زری تو چه — چه سایه تر بر سبزه کشی و زیبا چه

چه عشق آدمی تو ترا به وجود خرام — هزار زلف معطر بیکدیگر چه

چه سایه ها که بر سبزه صبح دمی تو چه — چه روزها که فراق تو تاب ما کشید

تا کی کنی دلبرانه را بجز فتنه تو چه — چه بند عشق تو گشتم عفو نی تو چه

با شاب عمر و جوانی دمی تو را نبرد — خزان شتاب و بهار ترا شتاب نباشد

بگیرم گوشه‌ی خلوت و با تو دل بستم — مبادا نیمه‌ی کارم ترا ملال گذارد

هزار بار بیایم ز هر کرانه‌ی عالم — هنوز از تو تمنا بود هوس نرود

## الف

آمدی و بستان مرده جان گرفت — رونق عهد و عمل دیگر بیاد آمد

ای ز بس سخن از تبسم و قهقهه بگوی — مجلس عشق بیارای که بیاد آمد

بلبل از نیرنگ تو دیگر نمی‌نالد — جلوه گر گشت بهر نامه و فریاد آمد

تمام از تو نوید و هم خبری بود مرا — نامه‌ای نیست که بی‌یاد تو بیاد آمد



## ب

بگو با دل دیوانه تا چند — بسازم با تن ویرانه تا چند

مدار این جلسه‌ی عشق تا چند باشم — چنین تا چند و تا کی در چند باشم

بجوی یاران مرا افسانه کردند — بهر محفل مرا دیوانه کردند

غم عشق مهوشان بیاد و کشتم — بیاد و مهوشان ادبار و کشتم

کهی از بیت دلبر داد دادم — کهی از زیست دلبر داد دادم

زنا یاد و نه این و عنا جز آنان — نوان و عقل و هوش این و آنان

مسلمانان مرا دیوانه گویند — که با دیوانگی دل شاد دارد

دل از دنیا و عقبی عالم بود غافل — که دوش با چشمان تو عالم بود

کهی دوباغ و دمی کوه البرز را
برانداده چنان فشرده در را

بنا که شعله از غش عنان
بزد آتش سراو چسبید و در جان

شده دمی بان فسنا زغنج
نگاری سروقدی سیمبین

چنان کشم بروبش تشنه هجران
که گرگ خونبش را هزار ران

رخش حلقه در گوش افکند
که از غم ها بخشی و نوشش افکند

چنان از سماع او مست گشتم
که تا بوده بود باده پرستم

چرا او دمی غم جانم نبودی
چرا گرد او گرد او نبودی

همه شب در خیال روی ماه
ستاره میشمردم تا سحرگاه

مرا از دور پیش فیروز بودم
که او خورشید روز افروز بودم



خوش از وقتی که او دلدار من بود
همش دلبر همش غمخوار من بود

کهی بوسه زدی بر لب گهی ماه
همی بندید مرا او در بر آه

کهی بوسید و آن گل نشکفند
که خنده می بر او هیچ نرفند

چه بهتر از غم او در گسستن بود
بدی غم او در پیوستن بود

مگر او کیست که در گذرگاه
که او در دوستی آرد بنا گاه

دمی با کس نمی سازد و دمساز
نگاهش را به کس نگشاده هیچ باز

بنا که از چنین یاری جدا کرد
که بیگانه از چنین یاری جدا کرد

~~چنان او نیز~~
چنان او از چنین یاری جدا کرد
که بیگانه ز خویش و آشنا کرد

چه کرد او با دل ما غمگسار من
دل بیچاره در بند نگار من

مرا با تو یک رشته الفت بپای
نه از بندگی با تو دارم بدل

چه خود هرگز از کس چنین خوش نشد
خطای خود و چشم خود چون بشد

رفیقان همه مهتران عوند
چه از مردم و فن اگه نبود

ز دانش همه کام جویند و ناز
ز دانش مرا فخر و کام و ناز

ولی در همه کار دانش نیست
جمال او بخرد و جان نیست

ز دانش دلیری و هر کام و بیاک
ز دانش فروتنی و پرهیز و پاک

تو ای باد مهر بلند اختران کسی
تو ای ماه مهربان و نگهبان هر کسی

نبیند ز هم مرگ و چیزی دهی
که دل از دو چیزی تهی نهی

چرا دانی از فرمان ایزدی
مرا دانش آموخت فرمان بردی

الا ای فرستاده دادگر
الهی فرستنده داد و فر

منم بندهٔ عبد الکندیه منم — نوشته با به نگارش در آورد نشستم

از آن پس چو بشکیب دست و صبای — بدین نامه ایرج نو بسود نشستم

بامید بوی تو زین نامه ای جان — بنظاره خشت و بنفع اندود نشستم

از آنگه که بر حال من رحمت آرد — بدین کلبه تا روز بهبود نشستم

بامید روی تو ای غیرت بتان — بدین نامه تا بنگری زود نشستم

ز گفتار تا داد لب بستم — همی منتظر از پی شنود نشستم

دمی بر امید لب آسای جانان — بفرش از پی بدرود نشستم

نگشته بهم تا نصیب ما ز هجرت — در غم هجر تو تا کجا نشستم

الف

تا بباغ عشق رویت ای صنم قرار نهادی — دامن نامرس و ننگ و نام ما بر باد دادی

تا بباغ عشق رویت ای صنم قرار نهادی — دامن نامرس و ننگ و نام ما بر باد دادی



که ز نرگس تا ملاقات نشستم و تو از ناز چه بودی — که ز هجر روی تو حیران در کرانهٔ چه بودی

خبر وصل مرا تو در داد که آمد و رسانی — تا قیامت نیاید از این در و بهبودی نیاید

خویش را در کوی تو چون لاابالی عرضه دادی — در حضور بندگان تو کیست تا بایستادی

عاقبت بر دای صنم افتادگان را بنگر — دست ما بگیر ای صنم که دست تو از پا فتادم

الف

مباش چون دگران دون همت از اول قعده — فرو نشین چو بزرگان که بود ای صنعتگر

موافق عشقم چنان باش و دگر بهبود — فوائد بی‌شمار و دگر کمی نرسد بقدر

مصنعتی تو در این راه کرده ای آخر — وگرنه چون کنم احوال عشق را تقریر

بیا بکن نظرات جانی و دلی بنما — چه بود اگر تو هم اینجا بکنی چنین هنری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

میل هر آنکند تا بجانی بازگردد

باغ دهری برین چون نخ زیبائی نیست — کز قدح خوردن چون قمر خمار تو نیست
وه که در شهر کسی نیست که رسوائی نیست — زلفی نیست چه هر زلف سیه‌کاری نیست

خاصیت آنکه قرین چشمی تو بیا تا بگردد

ای که خورشید ز پیش رخ تابنده تو — تا کجا دور فتی دل ز غم ما بردی
چند خواهی بغمی غمزده این خود بچفا — چه شود گر کنی از راه کرم یاد وفا

تا که آئی ز تو آسایش ما باز آید

دور هجران تو ای گشته غم‌بار دلم — غیر اهل دل بیگانه تو نیست آخر
کز تو در هر جهتی نیست ز هر نیکی بهر — چشم و دیده همه از نرگس تو خیره و حیران

کز تو آن به که بر همه دیگر باز گردد

الف

ای ز عکس رخ تو نیست در دنیا ماه — ساقیا بر قص ایه شد تو محمود آله



از نیاز هم چشمت تو خراب کشته — دیگر اینها چه حاجت بتو ای مه هاله
مجموعه بشکن و زنار کمر بند — این قفا بر دو بت دین بسلیمی کلاله
در حلقهای زلف تو بیرون بگذارد — با این تو اینها چه حاجت صید چه حاجت غزاله
بر دوی چو ماهت از تشک ناله کشته — ماه فلک نه بیند بر خود ز تشک ناله

خورده بکبر جانا کز مرغ ای کشتم — من دل چو غزه رعنا چو تو بچه آله
در شاخ نخل قامت ای گشته بر فروزد — با آتش هوایش خواهد بود دود ناله
با آتش هوایش خواهد بود دود ناله — بر رخ خوان نعمت چشمی سند این ناله

بهر سی کن ثابت در راه چون تو باشد — از هشتیان این بر تو چنین حواله

الف

فارغ از عرش سنگینه بره در نگری او — نور تراب بیده تر کس قشه جزای او

بر دو قرار و صبر من شیشه نگ زلف او — پرده من هری دره و جلوه ماه ادی او

اب حیات جاودان در لب لعل او نهان — صد چو سکندر و خضر مرده در او زنده

قیمت تر لک که لوده رنج عبر نکشد — صبح دمی اگر صبا شانه عنبری او

کشته ده عشق را یار کند خدا و بس — بر سر خاک ار کند ناله کوه بیوی او

خنجر و سبیل و خط زان تو یار زاده اند — باده و لبان لعل آن دیر و خاک کوی او

سعدی اگر ز آرزو کشته یار خویش را — دور نکن که تشنه بنده کس تست خوی او

## الف

گر دور بود نور هست بر جانم — خوشتر که رسد ز غیب درمانم



تا دل نشکنی طره بت دادی — چون مهر تو هم در بر جانم

زاهد ز پی تربیت گنگ بود — کو مهر تو هست ایمانم

این بنده دان تو که بر دوست — خواند لطف تو باج و دستانم

بر دی تو ام بیشم خار اید — هر گل که بر دیگ از گلستانم

امروز نزد بنا که رحم آری — بر تن نشیم و اب چشمانم

عجب بت دلبند بی نشانه — یک بوسه ازان لب دل خندانم

تو لوده خدا لگان و من بنده ی — آنچه حق ولی نزدانم

## الف

زلف بت قرار گار داری — با نافه اهر تتاری

دارای تمام مرتبه حسن — جز تو بود وفا و مروت در تمام دای

ماه شب چهارده تمام تو — با چهره پرشبان تمام دای

خرم آن روز کز سفر آیی — با بخت خرم تو بشادی

این چشم و دل بره ز دیدارت — بر چهره ز دو گشته چو دای

مهدی قرطع ۱۰ از هر کز — از بهر رفاق وفا و دیای

---

در سال ۱۳۲۲ بجهال افتاده طایفه لقوف را بر کنم و در یافت
و بر و سوک که در کنت خانه و از مخارج کشیده ها خود به پیچ
و بهره بر نم فرا خدمت آقای سید حسن محسن الحرفا رسیده از آنجا
و بقوه العمل کرده بر تبریز که عهده دار شده شوم شتر نم



در سنه ۱۳۲۳ که سفر شاه از فرنگ مراجعت کرد و معین الدوله صدر اعظم
شد خلق را دل و دماغ دیگر شروع شده بود لهذا را نها را بچ شد و روز بروز
جلال الدین کلکته با ران بیاده که در بالای قرنخی اردبیل کوچه منزل کب
اطلاع از اوضاع ممالک خارجه و مکتوب از او ضاع مملکت بنده نیز فقیر نه
مقرر از اوراق و کتابها تحصیل کرده بخوانم و ترجمه مطالب مرتبه
و ابتداد و مهدوی و ترقی ممالک امور و با و تنزل مملکت خود مان را
فهمید هم و فقیر نه صحبتهای از انجمن با را فقا بود و در اینجا وقات
انجمن با سم انجمن علمی تشکیل دادیم و اغلب ان با جمعه وسط سه با بود
و با بن مناسبت من و قاچ مجمع طرائف نفیس با سم انجمن علمی تالیف

گردیده و از این بخش فقط کتابخانه علمی باقی مانده است

عین الدوله با حضور فضلی همه و حضور میرزا ابوالقاسم امام جمعه گل رفته و با

کالسکه عبدالله مهندس میرود و بعد از ده دقیقه کالسکه عبدالله مراجعت میکند

میرود کالسکه عبدالله از خانه حضور فضلی همه خانه خود مراجعت میکند

در جلو مسجد شاه چند نفر از طلاب مدرسه جدید للوا و حمله میبرند

چوب بسیار در دست عین الدوله و بضلالت مستمک قرار داده اطراف

مدرسه جدید مرتبا گذشت و عصر امروز در ۱۱ رجب ۱۳۲۳ افتتاح

در نظر است عصر دوشنبه ۱۴ ماه جاری باز دیل تعطیل گردد

چند نفر از همین اهل مدرسه که میرزا ابوالقاسم امام جمعه و حاجی

مروی تجره می باشد از چند روز از این قرار در خانها محبوس شده



حضور میرزا ابوالقاسم امام جمعه و میرزا یحیی امام جماعت

مصلحت تشخیص داده در محمدیه شاه نماز بگزارند و بعد از نماز

حال و احوال بعد از نماز از منبر بیرون آمدند و با جذب بسیار و بیشتر

سعایت حرارت از دیگران و بعضی موجب ترغیب آنها شده و کالسکه جدیده

و کالسکه محمد حسن خان ۴ نفر مهندس عین الدوله و کالسکه دیگر

که ۴ نفر خان و نایب با تفاق آنها در یک دسته

[illegible]

[illegible]

در این اوقات عکاسی از مهندسین مشغول عکس برداری است

اتفاق افتاد در مجلس یکی از مکتبی‌ها که عالم بود در رد بابیه و رکن الدوله
این مکتبی را کشید و نشر کرده که مجتمع در مسجد شاه مدرسه صدر و بازار قشنگ
با نوز طرف قند —

در ۱۴ شوال ۱۳۲۳ وقت مسجد شاه اتفاق افتاد و قریب یکصد
عدد و هفده سال طهران شده بود و قبل قند افتاد گران شد چه
تا این تاریخ یکمن نخواه بود بهشت تومان رسید چند نفر اروپائی
قند و چای قند را بهانه اینکه قند گران کرده اند بر دوچرخه
علی مردم در مسجد شاه جمع شده و چرخ چراغ و لالها را کرده قند قند
انها کشیده و بنه عنوان بود — شب ۱۵ شوال ۱۳۲۳ بیرحال



واعظ [illegible] اولاد جمعه مجتمع پیدا کرده بنای قیر بازی گذارد
و قرار بهای مجمع و جمعی که قلابه شده بودند بکشند و مردم را بکشند
وقت متفرق شده و همان قرار را کرده در گذاشتند از رفتند تا پیدا شد
روز بعد ۱۵ شوال حضرت عبدالعظیم رفتند که با پرش بازی شده
ابتدا اوقات از دعوی مردم کنار حضرت عبدالعظیم واقع بود ولی بسیار اوقات چند
اثر نکرد و بتدریج جمعیت زیاد شد طلاب مدرسه صدر و بازار التماس و بعد
با پرش ها رفتند جلو از اهل منبر را با نها ملحق شده بعد از همان انها کنار
عبدالعظیم جمع میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه دولتی را کتک زده جمعی بنای فحش
و جمعی میرزا ابوالقاسم با جمعی از مدرسه صدر و بازار قشنگ طرف کرده

متصدیان حضرت عبدالعظیم سعادت اندوز اعزاز گردید و بعد از
روز چند در اصفهان بسر برد حضرت زاده ۲۰ هزار تومان
انعام داد و بعد از چند عمده مطلبی که داشت و عده داد تا بعد
وقتی به تهران رفت ۳۳
وکیل الدوله را فرستاد و به او وعده کرد که بخش کردن قاجار را در ۱۲ دقیقه
به اطلاع شاه برساند و بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار
شد که بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار

بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار



و بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار

و بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار

و بعد از چند روز که امیرخان سردار با سردار و قاجار
به تهران رسیدند و شاه را ملاقات کردند قاجار

انتخابات تصفیه بود و وظیفه مهم آن تهیه اسامی صحیح و
واجد شرایط برای تشکیل دوره پانزدهم مجلس شورای ملی
و تأمین آزادی مبارزات انتخاباتی بود —

پس از انجام این وظیفه مهم و تشکیل مجلس شورای ملی
انجمن اقدام به انتشار روزنامه ای بنام «ندای انجمن» کرد
که سردبیری آن با آقای دکتر محمد مصدق بود و هدف
آن تشریح وظایف و اختیارات مجلس شورای ملی و
تأمین آزادی مبارزات انتخاباتی بود —



بعد از تشکیل مجلس شورای ملی انجمن تصمیم گرفت
که برای تأمین آزادی مبارزات انتخاباتی و جلوگیری از
دخالت عوامل نفوذی و مخرب در انتخابات دوره پانزدهم
مجلس شورای ملی با انجمن های ولایتی و ایالتی
که در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی تشکیل شده بود
تماس برقرار کند و از طریق آنها با انجمن های ولایتی
و ایالتی دیگر که در دوره های قبل

وحضرتی را حضرت میرزا ابراهیم برادر بزرگ خود بهتر میدانست و حضرت
برحسب حکم — شوری حاکم — قطب الدوله حاکم قم والده جمال خانم
عمه بهمن و دوم و نجلیه یازدهم و نفیس ۱۳۲۴ هجده و دوم بیست و ششم و نجمه
۱۳۲۴ دوم سی و نهم و نهم شاهین نجیبه و فضا جلیلی خان و دو پسر دیگر
خانه جاهر جهان خان اجاره کردند و بعد از چهار ماه از آنجا بیرون رفتند
حاجی میرزا حسن خانه حسن میرزا را تخلیه نمود —
۱۳۲۵ نوری نامزد الدوله برای دیدن حضرت بطرف کمک ترقاچ
آدم دوم ۱۴ حمل آنجا به ۱۳۲۵ ماه حسن متولد شد تا
سال شروع بلیت در بیابان گذشت در ترقاچان دوم جهل و نهم
من طول کشید که راحت بطهران آدم —



حضرت میرزا که تخت نشست شروط طلبها فسخ شد و فتح سبد آدم و نهم
شاهزاده شاه و میرزا یحیی شاه و سید و دو آنجا ورود و نیامدند
۲۵
بدگوئی سید کاظم شیرازی و دعوا زانی و دعوا شاه
وفات شاه میرزا حاجی خانزاده که تمثال وصف شده بود و نگ
بود بطهران خواهد آمد و شیرازی و دو شیرازی خانه گرفته و شهرها میخواستند
دانی از اولاد حاجی یحیی خان و داماد عبدالرزاق عباس
زیاد شد حضرت نهاد و حضرت اعانت کردند رحیم خان جلیلی خلوت با امیر
حضرت بهاء الدوله خلوت حضرت با حاجی از طلب برای
حضرت بهاء الدوله حضرت عبدالعظیم رفتند شروط طلبها آنها امور آنجا
حضرت بهاء الدوله حضرت عبدالعظیم رفتند تا آنجا بگذرند که امور آنجا
میرزا حاجی خان سید رفتند

اتابک اعظم ... قبل عده‌ای از مجلس بیرون رفته تلگرافی مبنی بر استعفای خود
اتابک را در مجلس خوانده گفت و خودش را هم گفت و از فردا در دولت نخواهد بود
آقا سید عبدالله و سید محمد طباطبائی بواسطه موقع بعضی عمل از حضرت عبدالعظیم برگشته و سید جمال‌الدین
واعظ و سید نصرالله تقوی و چند نفر دیگر از علماء هم به شهر آمده و در این اوقات مشغول تلگراف
و تلفن و تلغراف بودند و مردم را دعوت می‌کردند که در مسجد شاه متحصن شوند
روز پنجشنبه ۲۵ شهر رمضان ۱۳۲۵ مجلس شورای ملی افتتاح گردید
در این روز از طرف علماء تلگرافی به ولیعهد و سایر ولایات مخابره شد
و در شهر شایع شد که علماء متحصن شده‌اند و مردم هم دسته دسته به مسجد شاه رفتند
روز شنبه ۲۷ شهر رمضان ۱۳۲۵ مجلس شورای ملی افتتاح گردید
و در این روز نطق افتتاحیه از طرف رئیس مجلس قرائت شد
که با مجلس همراهی کنند و روز ۲۹ مجلس افتتاح گردید
و این اوقات یکی از صبح زود مردم در مسجد جمع و اجتماع بر پا بود



مطلع شده و اجتماع و بطلان معامله ثبت کرده و روزنامه‌ها را از انتشار
درج شده بود باز نمایند بر نه مطبعه را داده و روزنامه‌ها را افراد و مردم
را واداشته بر نمایند و چند نفر جمعیت را متفرق نمودند که بروند پیش اتابک
مجلس و قبیله بروند و چند نفر را گرفتند و بردند پیش اتابک و مجلس
قرار شد از همان طرح بروند و از مجلس پیش برای علماء اعلام شود
از طرف جمعیت چند نفر برای علماء معین شد که یکی از آنها من بودم
بعد از فصل طرح شد که تلگراف بسفارت انگلیس برای اجلاس بگیری اقدام
توقف شد و این قبول کرده و من و سید نصرالله رفتیم —
روز پنجشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۲۵ سه ساعت و نیم از دسته گذشته
در مجلس حاضر شده و مجلس را دیدم —

روز ۱۲ رمضان ۳۵ ناصرالملک رئیس الوزرا و سایر وزرا مجلس منعقد شد در
۲۳ رمضان ۳۵ پسر دایی مرحوم آقا شیخ حسن وکیل عبدالوهاب و شیخ واعظ
طرف انجمن و روزنامه‌ها بنا به طغیان دادند که قرضی بدهند تا دولت را
اعانه کنند و قبول و وکیل کرد —

روز پنجشنبه ۲۴ رمضان ۳۵ وقتی میدان توپخانه اعدام و تضییق
بستگان رعیت بگیرند و بعد از شش روز دیگر نزدیک ظهر جمعی
از اشرار به مجلس ریخته چند نفر را با چوب و قمه مضروب نمودند و چند
نفر دیگر را بیرون کشیده و از آنها میدان توپخانه رفته بنای داد
و فریاد گذاردند و چند نفر از آنها در میدان توپخانه بر بالای
چوبی قصابی و مجلس بگیرند و آنها را بر بالای



بر بالای آنها و جمعیت از اطراف مردم متفرق شدند و آنها را پائین
آورده که از دو ساعت بعد از ظهر جمع شده بودند و از آن وقت
شروع طلبها را گرفته و بیرون آمدند کاهی بیاید عابرین را غارت میکردند و بعضی را
مضروب مشروطه‌طلبان کمک کرده نکذارند و بعضی را کشته و از قزاقها نیز
و بعد از ظهر از طرف دیگر انجمنها و مشروطه‌طلبها وارد مجلس و آنها
بیرون آمده و از طرف دیگر جمعی شده و بسلحه برای دفاع بر آمده و شهر دلکی
بسته شد و جمعیت مجلس بیرون آمده و بنای داد و فریاد و بعضی
از آنها بر بالای چوبی رفته و بعضی از آنها بر بالای چوبی رفته و بعضی
بر بالای چوبی رفته و بعضی از آنها بر بالای چوبی رفته و بعضی
بر بالای چوبی رفته و بعضی از آنها بر بالای چوبی رفته و بعضی

از وقایع تکرار نمایند بهرامی مجلس فراموش نشود از قرار ذیل عده نمایندگان
امنای دولت علیه حتی الامکان برای حضور مجلس امنای شاه ناصر ملک
را مجلس کرده و بعد از توسط نمایندگان مجلس از مملکت خارج شده و
و معین الدوله را از تبریز تلگرافا تبعید کرده و ولیعهد شاه را به بلوچ
ناصری را از بلوچ تبریز و در حضور مجلس استعفا کرده و در حضور مجلس خواست
مجلس امنای حضرت و معتمد و حضور ملت تبعید شده از ولیعهد
نمایندگان مجلس بنا نهاده شد شاه قرآن مهر کرده و مجدد و قسم خورده که
مخالفت با مجلس نکند و قرآن را مجلس فرستاد و نظام السلطنه و شیخ الوزرا
و وزیر عالیه شده و باقی وزرا اعضای دولت و وزیر داخله فخر السلطنه و وزیر
خارجه نظام و وزیر تجارت میرزا احمد و وزیر خارجه صنیع الدوله و وزیر
علوم و وزیر عالیه مخبر السلطنه و وزیر عدلیه



در ۱۲ دیماه جلسه مجلس امنا منعقد شد — قبلا تلگرافات جمعیت سپهدار
و تجار خارجه فعلا مجلس امنا را با حضور امنا در سه روز چندین دفعه
اخذ نمودند بعد از آن امنا متفرق شدند — در یکی از این تلگرافها برای کاری
راجع بهمین وقایع جهاز ارتش فرستاده شده حرکت کردند با امنا و یکی بلوف
فرستادند بانی و در بین راه بقدری باران آمده از اطراف ماندند که ناچار
در بین راه در خانه توقف کرده صبح بطرف مقصد رفتند — این چند

## ترتیب حال مهاجران ایران

در شب ۳۰ دیماه ۲۵ چند نفر توسط زبان بگانه خزینه فرنگ از دولت
روسیه اورا گشتند و دلالت و جنس و متروکه طلبها و تنظیف را جنیع اجیب داده و
جنس و خارج و دنبال کرده نفس و شکر و در عدلیه بستگان شدند و چون بنا بود

علی جلالی بابت انتخاب او به وکالت قرار شد قرار شد فرمی و صحیح تا دوره بعدی انتخابات بماند و
شنبه ۲۵ مرداد علی جلالی کتبی اینجا تفصیل دوره و کتبی توهین را نقل کرده و
ظاهراً این اتهامی بزرگ و دوره ای خوش و بجای نه شنبه از آنکه قرار داده بود و
خوشی بیان می دانسته علی جلالی کرده و هرچه بعدی با تهاوده توده —

---

ایشان مژده طبیعی جلالت ایشان را که در دوره سیزدهم وکالت نمایندگی
کرده بود پیشنهاد در روز ۲۹ دیگه ۲۵ جمع حضرت و فرهادان معتمد قلمداد
و لیه کمال رنا یب بجمیل او در جمعی عده به هریک هزار تومان دوده و تهاوده
با لاوری و دوانه کلات غرده —

روز جمعه ۲۵ مجرم ۱۳۲۶ محمد علی شاه بفرمود توقف حرمان تبعه از فضیه

تمام بنگاه عجوه سیکره خودش در کالسکه نشسته و اتومبیل او را فقط همه صد قدم
جلو میبرد و نه ورنا تیک — اتومبیل انه افتند چند تو زیاش و علی ت علیه



مجروح و تلف شد نه جرئی لا کمه تا همه و نیت بخواه و همه می زنیم —

در ۲۶ صفر ۲۶ هیئت و سلطنه از ریاست و حضرت مجلس استعفا داد

و همین اعلان ریاست انتخاب شد او هم استعفا داد و مخبر الدوله انتخاب شد —

روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الاول ۲۶ محمد علی شاه و قت بیانی شاه در روز شنبه

۲۲ جمادی الاول ۲۶ مجلس انتخابات چند روز قبل از آن در مجلس

جمعی از شروطه طلبان برای حمایت مجلس بوده و کلا انها را تقویت کرده

و در آن روز کسی مجلس نبود و بعد از و کلا و علی که جمع حدود ابا بکار نه نفر بود

و در شروطه طبیعی که در سه سپهسالار و شنبه از جمع از روز قرا تها اطراف مجلس

گرفتند و کسی را داخل نشدند نه یک مجلس بود و از جمع از روز جمادی

شنبه شد که تلگراف مجلس در سه سپهسالار تلگرافی تند مجلس بود و او

نداده تا خبر از رفتن بابود و آنکه عبدالله بهادر و آنکه محمد طاهر
و خواجه حسن خواجه و بعضی از اولاد و اقربا و بعضی دیگر از امرای رفته بابک
ابن الدوله از این جانب شاه الله داد بشر جانش قربان رفته بابک
میرزا ابراهیم قاسم و کیل او بابک را اینجا کشته و قابابا را الوف
باغ شاه برده در باغ شاه حبس نموده از آنجا دو نفر آنکه عبدالله و آنکه محمد را
تعاقب کرده شاه دو نفر آنجا توقیف کرده میرزا ابراهیم خان میرآخور
پدر اخیل و ملک اسکندر را در باغ شاه بدار آویخته و قابابا را الوف
از آنجا دو نفر آنکه عبدالله و آنکه محمد از آنجا فرار نموده و خواجه حسن
با چند نفر دیگر از شاه بیرون رفته و بعد از چند روز بیرون
در دهسه خانه نه که نزدیک نقاره خانه بود آنکه عبدالله و آنکه محمد
و خواجه حسن را توقیف نموده بعد از تعذیب بسیار آنها را مقتول نمود
و خواجه حسن را در حبس نزدیک دروازه حسن آباد خفه نمودند



حبس بکلی غارت شده سهم چندان و خزانه
که در دیوان رفته بابی مستقیمین و مشروطه طلبها پرداخت که کلی مشروطه
طلبها را طرفداری و موثر پیدا کرده و اغنیای بهم رسانده و سپهدار
و سردار خان که معروف شده هر چند از باغ شاه در دهات و قراء اطراف
شده اند مستقر میشد و لکن آن اغنیا هم مجبانه سعی میکردند که
مردم را از خروج بر ضد آنها باز دارند و طلب مرحمت برای آنها
بیاورند و سپهدار که از شاه رفته بود از شاه مراجعت
در دهسه خانه که نزدیک نقاره خانه بود آنکه عبدالله و آنکه محمد
و خواجه حسن را توقیف نموده بعد از تعذیب بسیار آنها را مقتول نمود
در حبس نزدیک دروازه حسن آباد خفه نمودند

[illegible] محمد یزدی و [illegible] طهرانی و [illegible] حق آمدیم —

در این اوقات میرزا [illegible] شمس عثمانی رسید و بیانات میرزا یحیی را به

محمد علی و آقا رضا و عباس و دیگران ترتیب میدهد و ملا [illegible] میرزا

میرزا [illegible] — حضرت میرزا مصطفی آشتیانی را به [illegible]

عبدالعظیم فرستاد و صدر اعظم با حضرت عثمانی ملحق شد —

[illegible] حضرت عبدالعظیم میرزا مصطفی و چند

نفر را که قبلاً در خانه او بودند مقابل خود و عثمانی و آقا علی و آقا رضا

و میرزا یحیی بود — در این اوقات عده قزاق اردو به تبریز

رسیده [illegible] — در این موقع میرزا یحیی را به [illegible]

و [illegible] فکر میکند — تا اینکه خبر رسید اردو [illegible] و

[illegible] و آقا محمد علی سردار رسید و دیگران را [illegible]



روز [illegible] صفحه ۲۶ صفحات السلطنه و حضرت [illegible] را [illegible]

اردو و [illegible] قزاق [illegible] را [illegible]

[illegible] —

صبح روز ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۷ مطابق [illegible] جاوید [illegible]

سپهسالار حمله [illegible] — [illegible] که سابق داده شده بود [illegible]

جاوید [illegible] عده از مشروطه طلبهای طهران بیرون [illegible] قشونی را از

سربازها که در قراولخانها بودند [illegible] تحویل سنگربندی محلات [illegible]

[illegible] صبح از دروازه که بیرون [illegible] اطراف خانه ها که نزدیک بازار چیها [illegible]

خانه [illegible] بازار چیها [illegible] و [illegible] سپهسالار حمله

سپهسالار [illegible] مشروطه طلبها بود و در [illegible] خانه

[illegible] قزاق [illegible] عده [illegible] ارک و میدان توپخانه و قزاقخانه و

سکندر و قزاق بود و از طرفی دانا طرفه قوی و قشنگ او و به دل پسند
محبوب و در سلطنت ابو سعید و از بزرگان سلسله تیموریه بحساب آمده بلند
پایه مرتبه بود خواجه یحیی تایف در سنه ناصریه و تاپا مبارک ۳۷ و ملک
سپاه را انتخاب کرده شد — انچنان تا روز جمعه ۳۷ جمادی الثانیه
بر پا بود و روز ۳۷ محمد شاه نفاق راه فرار پیش گرفته شد
و چنان تا سه روز نشد ۳۸ بیشتر از خلق و چنان در بیابان پنهان
قشلیق و محمد میرزا را از سلطنت خلع و احمد شاه را بسلطنت نصب
و حضرت ملک را نایب السلطنه او سپه دار و وزیر ملک و مردار بیگ
وزیر و خواجه ملک کمیته بیگ تنبغی باسی هفت سه پرده از بیگ
اشاره شده و چنان کلاه بست انها داده شد ناصر ملک وزیر خارجه
مستغنی ملک بایسه قرا قوی عندلیب صنیع الدوله علوم سرتق الدوله
وزیر دربار و مردار مستوفی لیک و تکلف بیرون پیش قطیعه —



فرصی در اوقت در بیابان حاضر بود و طرف عصر تا شب انجمن طول کشید
شب بازار تا را چراغان کرده شد —

جماعه بنی خوش قضیه همه را از میدان قوچانه برگشته و بنی اول
حضرت بود که خبر از ورود او مترجم آمد — سفارت ملک بابای میدان
از طهران حاضر شده بود که بطرف مازندران برود و شناخته و تبلیغ
و احداث شده صنیع حضرت احداث شده و بخشی پرانچی را و او را بنا بر
مردار بیگ و بیرم بیگ عده بخشی اوی و بجا برای رفع اختلافات
زنان که مستبدین بنوان سلام و تا خط و بخشی اوی و بیل او قوف نامه
وک کرده و در همه جا غالب شده رعیه خان مجبور شده و بیه قرار کند
تا بیرعده همه و قایه همه از کرمان — و جمله اقرار را اجابت کرده —

در ماه شوال ۱۳۲۶ از طرف وزارت تجارت به عدلیه احضار شدم
و ریاست محکمه قبول داده بودم که در موقع تنگ بتوانم جلو ازدیاد
محاکمات بیهوده را بگیرم و دعاوی را تجزیه و چند روز
در اداره بودم. وثوق الدوله که از زمان وزیر عدلیه و قاسم خان والی
سابقه با او همراه بود او را به عدلیه فرستاد. مشیر الدوله وزیر عدلیه
شد و من با مشیر الدوله به شانزده شعبه ابتدائی تقسیم شدم
در ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۷ کابینه وثوق الدوله استعفا داد و رفت
هیئت وزرا هم خود به خود با مشیر الدوله موقتاً
تا اینکه در ریاست شانزده محکمه ابتدائی حوزه را
بین دادرسان تقسیم کنند. بنده با سمت محکمه ابتدائی شعبه دوم
و محکمه تجارت و شعبه محکمه جنایی مرتبه دوم بنا شد



نشده بود — مراجعه بشعبه محکمه ابتدائی من و قضات دیگر
قاضی رسیدگی از جلسه اول استعفا داده مرخص و دیگر معین نشد —
در دوره سوم مقننه مجلس و کابینه ۱۳۲۷ معاون اوقاف صبح زاده
سعید الواعظین را نمی برحمت فرستاد
در شب قاسم خان والی با حضور چند نفر در اول شب
منزل او را محمد خان معروف بچراغ برق با خواتین و بچه ها غافل بمباران
فرار از در باغ را فشنه و بچه ها در سرسرا جمع شدند
در حین مراجعت ۳ نامه به قاضی داده شد در یکی
بواسطه قتل قاسم عبدالله و جنایات دیگر و تکفیر ملای کنف از آنان تعهد

۲۹

در ربیع الثانی حیدرخان بسمت ریاست تعیین شد

در ۲۵ رجب ۲۸ اول بیک در اخراجات بلدیه زیر نظر میرزا ابوالحسن خان

برادر میرزا احمدعلیخان ترتیب خواهر زاده قوراداده و سید حیدر

از زاد خان کشته شد و کنت اوف بجای بن احداث شهر بیاده

و فعلا بواسطه خلل قانون سید حیدر داده شد

بواسطه این اغتشاشات مجلس دوره سیم ماه جمادی الاول بوزرا داد که

شهر را خود مردم بدهند قلع و قمع کنند دسته از نجا دین در

پارک اتابک جمع شده از تسلیم اسلحه امتناع کردند تا خان

والی بردند در ۲۰ شعبان ۲۸ قوای دولت دوباره پارک را گرفته

بعد از چند ساعت غلبه با دین را منهزم و کنار خان مجروح شده



از طرف قاخره ۴ عراده توپ خفیف میزان طراز اول صوفی شد که همیشه با

خود میبرد این اغتشاش بدون اقدامی از طرف حکومت خوبی

قائد ابوالحسن اصفهانی قائمقام حکومت عدالت بود - ایران نخستین مرتبه

اول مجلس وضع شد

در ۱۷ رمضان ۲۸ حضرت ملک آرا بسمت ریاست و ناصر الملک نایب السلطنه

در ۲۰ شوال ۲۸ کابینه بارکت نخستین مجلس شورای ملی افتتاح شد

در ۲۰ ذیقعده ۲۸ مجلس دارالشوری منعقد بعد از نایب

در جمادی الاولی ۲۹ سرتونسه از مجلس منعقد نایب دولتان

ماه جمادی الثانیه ۳۹ اعلان الکذال لعدلیه ها عدلیه داده شد دارای
فضیلت الدوله رئیس عدلیه و شیخ محمد مرحوم حاج شیخ امین الضرب رئیس
رئیس مستدعیات و رکن الملک رئیس اول تشخیص و میرزا
طاهر رئیس شعبه حقوق دفاتر جدید و رئیس شعبه جزا و عدالی اعلک
رئیس کل بدایت و فرنی رئیس شعبه ثانیه حقوق بودند

فضیل الکذال فیشکه مشیر الدوله که وزیر عدلیه شد تا فوق شش شهاد
و تکمیلات و اصول محاکمات حقوق را از جلیل گذرانده و تقلید
چیزی از طرف مجلس برای رسیدگی نهایت مردم از عدلیه بعدلیه
انداخته و گاهی شش ماه دو سال تمام شده و باطلیه مقاصد عدلیه دوازده
حل قضیه تا انقلاب بود تعدیل از گذشتن قوانینی برای اصلاح



حال عدلیه مقرر شد که شعب عدلیه با استیناف رفته و شعب
اضافه شد که هر کدام شعب از حقوق گذشته او که شش ماه غیب
احقاق حق مردم نشده اداره خواهد شد و هر کدام شعب از یک شعبه حقوق
تشکیل و قضیه خواهد داشت هر دو هر کدام یک شعبه استیناف و یک ابتدا
و شعب عدلیه خواهد شد با حق مقاومت کنند و کارهای ابتدایی شعبه از
قرار شد برای کارهای فوری شعبه یک جلسه حقوق و یک
جلسه جزا و یک جلسه تجارت دارای شعبه از طرف بدایت در اداره شد
شعبه ثانیه حقوق که کمی در اینجا بود با حق مرور و اعتراض تا بهمن
شعبه قرعه زدند انقلاب شعبه از قرعه جاری شد تا بهمن روز

این شبه سفر و اتباع کار خود را در آن خیابان دولت سرکرده
بعد از چهل روز بدون کسی سخن و بخشیده دیگر قبول شد

در ۲۹ رجب ۲۹ حرکت به باغ نوشهر آقای به حکم تبعید فرزند
آقا و ترکه تبعیدین نایب حکومت طرف طهران را اداره
رسالت، حدود هم در حدود حفظ و کرده فشار ۵ ترویج کرد
در رمضان ۲۹ روانه گشت و دیگر دیدن با اشتهار
که ۵ مزاده حبیب آباد بود خبر کرد از شهر حدود
کرد و گشت و قرن او غلط منفور — در طهران و شیراز و
منفور شد — در اول شوال ۲۹ قوای گشتاری
و جان دادن ۵ نفر که با بیش ۵ و نوشته با قوه سالار

وقوع حوادث مهم ـــ

در این سال ۲۹ عثمانی‌ها اهالی بلغارستان را مجبور به ترک وطن خود کردند و بلغارها اهالی عثمانی را مجبور به ترک وطن خود کردند. در اول بلغارستان با عثمانی مشغول جنگ شدند و چهار سال با اهالی بلغارستان جنگ کردند.

در ۱۰ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰ در عدلیه تغییرات کلی داده شد. اعضای سابق عدلیه منفصل شدند و عضو جدید تعیین شد. اعضای جدید عدلیه عبارت بودند از:

در ۱۴ جمادی الاولی سنه ۱۳۳۰ از خانه حاجی میرزا حسن که در کوچه حاجی بابا بود حرکت کرده به خانه که در کوچه حاجی بابا بود آمدم.

در ذیحجه ۳۰ حاجی شیخ عبدالله مازندرانی مرحوم شد.

در محرم ۳۱ میرزا ابراهیم خان نایب‌السلطنه عزیمت کرد و در ۲۶ صفر ۳۱ مراجعت نمود و در ۳۰ ربیع الثانی ۳۱ میرزا ابراهیم خان نایب‌السلطنه عدلیه را مرخص نمود و اعضای سابق عدلیه را مجدداً تعیین نمود.



در ۱۶ ربیع الثانی ۳۱ اعضای عدلیه برای رسیدن حقوق تعطیل کرده و در آن عصر دو نفر از اعضای عدلیه حقوق خود را گرفتند و بعضی از اداره‌ها حقوق خود را گرفتند.

در این سال قوای ژاندارمری و قشون بالکان و بلغارستان مشغول جنگ بودند.

در ۱۴ جمادی الاولی سنه ۱۳۳۱ از خانه حاجی میرزا حسن که در کوچه حاجی بابا بود حرکت کرده به خانه که در کوچه حاجی بابا بود آمدم.

قشون روسی به تبریز آمدند.

در ۲۰ شعبان ۳۲ از تبریز حرکت و به سلماس وارد شدم و در ۲۱ شعبان ۳۲ عثمانی‌ها را مغلوب کردند و در ۲۲ شعبان ۳۲ عثمانی‌ها را مغلوب کردند و در ۲۳ شعبان ۳۲ عثمانی‌ها را مغلوب کردند.

حرب اعلان شده و در حقیقت جنگ عمومی بین المللی شروع شد

در ۲ رمضان ۳۲ عده از اعضاء مستعفی و مستوفی ممالک رئیس الوزراء و وزراء جدید

و نیز معرفی شدند —

در اواسط عقرب ساز جدید و از ذیقعده ۳۲ خداوند قلب را مرقوم فرمود —

در ۱۶ محرم ۳۳ مجلس شورای ملی مفتوح شد و در ۵ ربیع الثانی ۳۳ قرارداد

و نیز عده بسیار و اقدامات عمده اصلاحی بعمل آمد

در ۵ ربیع الثانی ۳۳ مستوفی ممالک استعفا داد و نیز عده رئیس الوزراء

در ۶ جمادی الثانی ۳۳ استعفا یعنی خود را رئیس الوزراء و وزیر داخله از

وزارتخانه کنار گذاشت و مستوفی رئیس الوزراء شد —

قوای روس الحاق دارد و آذربایجان را تخلیه



۲۸ ربیع ۳۳ قوای روس از قزوین برای طهران حرکت کرد و جریان انتخابات

روس فهمید چون اکثریت با مجلس طهران آورده و مجلس با انجام کارها

پاره اقدامات بنیاد قدرت برای حفظ استقلال حاضر نخواهد قوای روس را

اقامت بکند — از روز ۱۶ محرم ۳۴ وزراء و کلا و تجار

و بیکاران دائما در حرکت و مشاوره و نگران بودند و هیجان و اضطراب

و از دولت تکلیف میخواهند و اضطراب مهم قوای کنسول خانه کمیت است

تا ۲۳ محرم با تقدیم قوای روس بکرج و بعد نزدیک طهران

مستعفی است و کلا صبح و عصر در مجلس اند شفاها تلگرافی اعلان و طرز

و نتایج حوزه انتخابات از یک شعبه از ۱۲ شعبه تهران

قوه‌ای نداشت و همان شب تا صبح مشغول تهیه اسباب سفر بود و صبح زود با
چند نفر از همراهان خود از راه کرمانشاهان عازم ایران شد. در بین راه
در منزل قصر شیرین به ملاقات محمد علی میرزا دولتشاه که از بغداد
به ایران می‌آمد نایل آمد و ساعتی با او گفتگو کرد و سپس هر دو
راه خود را پیش گرفتند. دولتشاه به کرمانشاه رفت و ولیعهد به
سنقر کلیائی رسید و در آنجا با عده‌ای از سران ایل قاجار ملاقات
کرد و سپس به طهران رفت. در ۲۱ محرم ۱۳۴۴ ولیعهد وارد
طهران شد و در باغ نگارستان منزل کرد. روز بعد از ورود
به طهران به دیدار برادر خود محمد حسن میرزا رفت و ساعتی
با او به گفتگو پرداخت. سپس به دیدار برادر دیگر خود
سلیمان میرزا رفت و ساعتی با او به گفتگو پرداخت.



یک ساعت و نیم بعد از ظهر نوه‌ای و سی و یکمین پادشاه قاجار
مذاکرات آنها طول کشید. بعد از ظهر همان روز مذاکرات با پادشاه قاجار
منصرف شد و قرار شد روز بعد به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار
ولیعهد را از قرار شد و سپس به دیدار شاه برود. در این دیدار

شروع ایلامیان شکست خورده و پادشاه با چند نفر از ایلامیان خلک کرده
شب ۱۳ صفر رسیدند به رحمت آباد و بعد از ایلامیان به رباط آمده
خیال طغیان داشته از طرف دولت با تنبیه شده که از اینجا حرکت
نموده شب ۱۴ در دامنه‌های طغیان را سنگر و دیوار کشیده و عده
قزاق بجهت حفظ ۱۲ خلک پائین قشون روی دیوار پائین
در رباط گذاشته شروع به عزیمت نمود ۱۵ در وقت قشون روی
زاغه‌ای رسیده که کشته و مجبور کرده مقتول زیاد و در ۲۳۰
نفر ده مجروح چند نفر هم زنده گرفته نایب حسین و ایلامیان و پادشاه
متواری شده — بقیه ایلامیان از قشون جدا شده رفتند —
۱۶ صفر ۳۳ متوفی المتفاوت و قشون رئیس الوزراء شده و بعد از
چند سپهدار (به ۱۳۰۰) رئیس الوزراء شده تا غایت ۳۴ در ایران



و بقایای ایلامیان از جاده کشته متفرق شده و سردستگان سواران ایلامیان
بغداد و بعضی بجوار رفتند — در شوال ۳۴ عشایر همدان بر قشون
روسی غلبه کرده سپهسالار و متفرقین و قشون الوداع و رئیس الوزراء شده قشون
عشایر نزدیک قزوین رسیده اتباع حاجی بلاغ قزوینی و ولیت و مانع قشون
و حاجی حرکت کرده —

در اوائل صفر ۳۵ صمد معلم طغیان نموده —

در ۲۵ ربیع عشایر ۳۵ میرزا اسمعیل خان و بقیه ایلامیان و عده قلیل تبریز فرار
کشته شده و ایلامیان بکلیه جاده‌ها تبریز بلاغ کرده معروف گشت

در جمادی الاول ۳۵ قبر غنی قزوینی و بعضی و المتفاوت تبریز رسیده

تلفات قحط از نیم حمل تا اختتم حوت هفت هزار و ۲۲۱ نفر رسیده شد

در ۲۳ شوال ۳۰ تقریب نامه وزرا راجع بالغاء امتیازات

وسایر ات رویه اعلان شد —

در ۲۹ شوال ۳۰ اعضای سفارت مستخلص الدوله رئیس الوزرا

وزرای دیگر ۳۰ اعضاء بکمیته مجازات معین و تشکیل شد —

در ۱۲ ذیقعده ۳۰ نطق راده و ابوالفتح راده محکوم بتبعید و حبس

مقید در ۵ سال شدند و بشهر اصفهان وحبس الدوله ابد ارکشیده

شد ۳ شنبه ۱۹ ذیقعده ۳۰ تقریبا سه ارتب رشته خبر را

بکلیه بروز خود و عبدالله بای چیت ساز نخواهیم

و نمیدانستیم چیزی نبود فردا ارتب رسید ما را برده منزل

اقبال الدوله در نیر محله و انجا محبوس بودیم معلوم شد صبح امروز

که فرمین می منتشر شده ما را محله تعلیل شده و در نیز جمع شده اند



وارد طرف بدار حوض نقش بشنا نزدیک آمد که محمد تقی بای رئیس

الوزرا که تازه رشته اقدامات را در دست داشت و در تمام شهر بدبین تلقی

شده بود برای اینکه مبادا هیجانی برای بازداشت فرد اطراف نزدیک

را مراقب شده بود از بالا فریاد کرد امروز تعطیل است حالا تکلیف

داده و هیچ اقدامی برای من نکرده چرا آورده اند سرتیپ ۳ الوده

آمد و معرفی از من خواست کرد و بعد دادند بروم بکلیه و فردا

از وزارت داخله تکلیف خواهند کرد بعد معلوم شد

حوض دره ما را بالکرت حبس کرده اند من بالتفصیل نوشته ام

روانی نیز ۱۸ امیر اعلم خان از طرف رئیس الوزرا پیش من آمد

[illegible] از [illegible] به [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

و میرزا اللهیار صوبه‌دار بهدری بکاشان منصوب شده و عمده دیگر به تنگستان

این اوقات جهت رجوع قرارداد اقدام داده

شاه و صدر خان در ۲۷ دقیقا و نایب حسین‌خان در ۲۳ ذیحجه ۱۲۵۷ تنگستان را تخلیه

اینها با خبر ولایت ملبون عثمانی و مصطفی کمال پاشا سپرده —

۳۸ سپهر شاه ۱۲۵۸ نگهبانه فلک‌نما مطابق قرارداد بعقوبت

تنزال و بکس بابا رجب مضبان انگلیس منعقد گردید و بلکت تنگستان

داده شد — در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۵۸ فرزند نایب حسین صدر جدید

در سنگ شیان و بعضی بلوکها دار و اداره شده انگلیسها از آنی بلوک

قدیمی حسب قسمت داده‌اند تا حال دشت هم مقرر نبوده میرزا اکبر

رجب و رفاقت صولت از جنگل تنگستان اند —

در ۱۲۵۹ رمضان شاه وارد طهران شده بدو مرخص و حسین در جزیره

بمرور باد قرار داده بود و دولت الدوله عهده‌دار شده



شاه تنزال انگلیسها بلا پشت انگلیس داده بلوکهای ابرانی دور بس

و قوای میرزا اکبر خان آنجا را تصرف کرده و میرزا احمد خان حاکم

دشت و سایر افراد اداره‌ات بلوک طهران آمده —

در ۱۲۶۰ تنزال ۳۸ و دولت الدوله استعفا داده در ۱۲۶۱ تنزال سپرده

رئیس الوزراء شده و در این اوقات در سپرز بلوکی با تصرف تمام

قشاقی مشغول اداره امور اداره بکار تنگه —

بنا بجهات قرار داد ایران و انگلیس امور قونسلگری خود و تبعه‌اش

کاملا را راجب داده و دشت در ممالک غیر فوق معاهده سلطانیه

قرار دارد در جنگ بالکان بلوکها بدار سپرده تنگستان حوزه نخیل را جب

اتالار ثبت اسناد فخر فراری شده جمع کثیری با اوضاع پریشان

بطهران آمدند —

در تاریخ دیگی ۳۹ خبر وفات مرحوم حاجی میرزا احمد قوام برادر کوچک

و دیگر محرم ۳۹ جمع قبر السلطنه وارد و پذیرفته شده مشروع بکلک بیاض گردیده

بنا بود روز جمعه حرکت نماید

در ۲۰ جمادی الثانیه ۳۹ قافله همراه طبا طبائی مرحوم عزیمت

در ۲۳ همان ۳۹ وقت غروب آفتاب قافله بعرض اسپه اردو بنا رفت

و دماغ خود را بدل می گذارد —

در ۲۴ همان جمعه ۳۹ صبح سیزده ارابه کلیه بنه بار کرده

قبل از ظهر سکته اردو بنا رفت



در این خبر رسید که عده از قزاقهای مقیم قزوین که بالغ بر چهار نفر

ریاست خانخانی میرپنج به دون اجازه بطرف طهران حرکت کرده

شب چهارده جمعه ۳۹ ساعت هشت و نیم از شب قزاقها وارد

طهران شده در میدان توپخانه توقف کرده از توقف بلند و بطرف

منصوریه شهر فرار کرده بعد از ظهر امروز از طرف خانخانی

منتشر شده اعلان حکومت نظامی و اینکه ادارات تعطیل است

تا تکلیف معین شود و شب از ساعت سه قورخانه بنا به بیرون امد

خداوند بعضی را از فتنه قبیل بین الدوله و فرامانفرما و الفرت الدوله و بیرم خان

بعضی دیگر مدرس و قاضی بیرون و الفرت السلطنه و مشیر السلطنه و

رفته شده در باب قتل قائمقام و حاجی میرزا حسن مجتهد

منتشره ـــ ودر جلسه از طرف کمیسیون عدلیه جناب آقای
منتشره به کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی ارجاع شده بود ـــ
بعد از چند دوره کمیسیون در عدلیه منعقد شد به ریاست حضرت اشرف السلطنه تحت مساعدت
وکالت آقای عدلیه برای وضع و تدوین قوانین عدلیه و برای دوره
دوم تقنینیه مجلس وکلای کمیسیون دعوت شدم ـــ
در حین که چند نفر از اعضای سابقه بیشتر نبودیم ما کمیسیون موقتا
مشغول کار شدیم تا وقتی که تکمیل و اعزام شود و کمیسیون برای قوانین بطور
دائمی تکمیل شده و مجلس کمیسیون داشته باشد و کمیسیون سابق منحل شد
در ۱۳ کاغذی از رئیس الوزرا رسید مبنی بر اینکه برای بعد از ظهر
امروز در هیئت وزرا دعوت کرده بودند خود ما زودتر ناهار خورده



در هیئت وزرا حاضر شدیم و مذاکره قوانینی بود که کمیسیون قانون قانون
مطبوعات را که سابقا نوشته بودیم قرائت و تصویب شد و قانون ثبت
اسناد و بعد از اینکه عده منتشره اعضاء و تصویب شد و قانونی برای قانون
تشکیلات و اصول محاکمات نوشتیم این از آن قانون هم که ما
سابقا نوشته بودیم مقداری حذف شده و کتاب اول آن برای تصویب
به هیئت وزرا فرستاده شد

در کاغذی از وزارت عدلیه رسید که مرا مشروطیت دوباره
عفو مبنی کرده بودند و نباشد عفو یک قضیه پیش نباشد

در ۱۷ رمضان ۳۳۹ سید ضیاء الدین مشروطه دوم ۲۳ رمضان
قوام السلطنه ریاست وزرائی منصوب شد

دوره‌ی نایب‌حکومتی شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سمنان ساخته شده و تاریخ آن ۱۳۰۰ است.
از طرف حاکم وقت اصفهان تعریف شده و قرار بود ایران با انگلیس اتحاد
و قوای السلطنه در ۲۶ رجب ۳۹ در دوبای مرتبط کلنل محمدتقی‌خان
و ستگیر و حبس شد و در ۲۶ رجب به طهران با دو دسته سوئل تکمیل
و مزدوج به بنای عمارت سپه در میدان توپخانه و معمر تاریخ شد و قوای
انگلیس از ایران خارج شد — سپه‌بدی و همیاری قشون
از لشو و غرم مسکات بنا و در و نقش تاریخی خرج عزه — سعود به را
برای حاکم حدیه سنبلی کرد —

بعد از رفتن کلیه‌ی سپه‌بدی عبدالسلطنه و زیر حدیه و تا میرزا احمدخان
معاون شد و بعد از عبدالسلطنه در منزل وی دیده و منزل و زیر بحریه
حدیه سنبلی و مرتب شد — و سهم دولتی بود



در اواسط دولتی ۳۹ مجلس برای اول کار منعقد شد —

در ۵ دیماه ۳۹ تا میرزا احمدخان تبریزی مرحوم شد — و کلنل محمدتقی‌خان

در مجلس منعقد اول اردیبهشت —

در ۱۰ اردیبهشت ۴۰ سپه‌بدی الله‌داد میرزا اکرم‌خان و جلیلی کلا منعقد شد و دوره
دوره جنگ (دوره‌ی خان) در ۱۰ اردیبهشت ۴۰ جنگ آغاز شد

در ربیع الاول ۴۱ [illegible] در مسجد جامع قزوین خواندند و [illegible]

از اصول حال [illegible] که مرقوم الیه نوشته بود [illegible] راجع به بانک بدهد از قبل گذشت

در تبریز وارد و مشغول اصلاحات [illegible]

در ذیحجه ۴۱ بواسطه اینکه الفقیها قاضی قزوین ابوالحسن اصفهانی و خویش [illegible] و بعضی دیگر از نجف تبعید کرده اند از دولت [illegible] از الفقیها بر سر

در روز ۲۲ ذیحجه حکومت [illegible] و دیگر [illegible] در طهران قطع شد

در مسجد شاه روز جمعه [illegible] الفقیها را ترک داده اقتدا نمودند

سیگار در تمام روز ۲۷ اتفاقات [illegible] در روز ۲۸ در قزوین [illegible]

در مقابل سفارتخانه انگلیس سیگار در

در ۴ محرم ۴۲ [illegible] وارد قم شده



در ۱۲ ربیع الاول ۴۲ قطعی خرید شده و برای بانک و زارت الخارجی ممالک

اسلامی تابلی داده شد و بترتیبی که معین شد [illegible] بود جهت در پردی دروازه

[illegible] جمع شده و نظر قطعی [illegible] قرائت شد

[illegible] همه [illegible] قصبه برداریه وزیر جنگ

۱۹ ربیع الاول ۴۲ برداریه [illegible] وزیر جنگ و سایر وزراء

[illegible] سوئد شیرفاز وزیر مختار [illegible]

۲۴ ربیع الاول اعلیحضرت [illegible] وکت کرد

۲۱ ربیع الاول خبر [illegible] تلگرافی بتوسط [illegible] رسید

۲۲ ربیع الاول خبر استعفای عبدالمجید از [illegible] عثمانی بتوسط [illegible] رسید

۲۵ ربیع الثانی [illegible] (برداریه) [illegible] و [illegible]

سه‌شنبه ۲۷ صفر ۴۲ قوام السلطنه بعنوان اینکه تشکیل ترور برای دربار خبک کرده است توقیف میشود در وزارت جنگ

۱۱ ربیع الاول ۴۲ مشیر الدوله از ریاست وزرا استعفا داد

۱۴ ربیع الاول رضا خان سردار سپه رئیس وزرا منصوب گردید

مساعد السلطنه وزیر مدیه میشود

۲۲ ربیع الاول ۴۲ احمد شاه بطرف اروپا حرکت کرد

اتحادیه سه فرقه وزیر مدیه در شاهزاده عبدالحسین لقب سپهسالار اعظم برای قشون

دهم الاشراف وزیر جنگ داده شد لقب سردار اسعد

در جمادی الاول ۴۲ برضد محمدخان قشقایی یکی تشکیل میشود

اتحادیه تمام نوروزیان را که سابقه خوبی داشته بودند مجدداً جمع کرده با لقب

سرتیپ و مدیه برای تقریب مراجعت میدهد

در ماه جمادی الثانی دو فقره بمب — در جلو خانه سپهسالار

در شعبان بمب — ترور عزیزان جمهوریت در ایران

روز پنجم رجب ۴۳ دوره پنجم مجلس افتتاح شد و دیپلمه مجلس افتتاح کرد

در دوره پنجم تمام جمهوریت در ایران تبلیغ میشود و در بهمن سلطنت احمد شاه منقرض میشود

تظاهرات علیه جمهوریت از طرف ملاها

در ۱۱ شعبان ۴۳ لندن و بغداد و وزارتخانه‌ها عزل رضا خان را مورد بحث قرار دادند

فیروز طبق دستور مجلس تلگراف‌ها داده شد خطاب به احمد شاه

بلژیک در اطراف جمهوریت و دیپلمه‌ها نمایندگان مجلس دعوت شدند

در ۱۲ شعبان — در جلسه علنی مجلس طرح سلطنت قاجاریه

در نتیجه هیجانات بیدار شد

ولی در جلسه ۱۳ شعبان که نمایندگان مراد را جمع کنند احمد شاه و جمهوریت انتخاب

بگذارد و نگذشت

در ۱۴ شعبان اطلاعیه‌ای منتشر شد و طرفداران جمهوریت

با اظهار مخالفت با جمهوریت روانه شدند عده جمعیت

نفر گفته‌اند در جلو جمعیت بهبهانی پنجاه نماینده از اقلیت

در جلسه ۲ آبان ۳۰۴ در مجلس نمایندگان مجلس شورای ملی تلگراف رئیس الوزراء راجع بسلطنت
قاجاریه مطرح و قرائت شد — جلسه دوم در باره مقاله چاپ شده
روز ۹ آبان ۳۰۴ ه.ق داماد از طرف ملت جلالت از اقوام سلطنت
قاجاریه و حکومت مرکزی رضا خان پهلوی و واگذار کردن تصمیم قطعی بملت
مجلس مؤسسان اعلام شد — دستخط شاه برای تبریک بمنزل رضا خان رفتند
در ۱۱ آبان ۳۰۴ بلغ بخط از طرف رضا خان منتشر شد — و
۱۲ آبان ۳۰۴ انتخابات مجلس مؤسسان اعلام شد
فردای کابینه رئیس الوزراء استعفا داد
یکشنبه ۱۵ آذر ۳۰۴ ۲۹ جمادی الاول ۱۳۴۴ مجلس مؤسسان شروع کار شد
شنبه ۲۱ آذر ۳۰۴ نامه رئیس الوزراء سلطنت رضا شاه و دولت چند پیشنهاد
از مجلس مؤسسان گذشت — روز ۲۲ آذر مجلس وارد شور دوم شد
و چند روز ادارات تعطیل و جشن گرفته شد



لایحه پیشنهاد کابینه فروغی تشکیل و جلسه مجلس دایر شد
روز جمعه ۲۱ آذر ۳۰۵ رئیس الوزراء فروغی وارد مجلس شد و فروغی بنمایندگی
از طرف رضا شاه نامه قرائت کرد — فروغی عضای مرجع برای تشکیل
قانون اساسی تعیین کرد که در روز شنبه ارائه شد
در ذهبی ۲۲ فروردین ۳۰۵ خبر رسید که دولت بهائی بسترش را فروخته است
۱۵ فروردین ۳۰۵ فروغی از ریاست وزراء استعفا داد و مشیرالدوله بجای فروغی
۱۹ تیر ۳۰۵ مجلس شش شروع کار داد
۲۶ تیر ۳۰۵ دوره چهارم در تهران افتتاح شد و لایحه تغییر قانون اساسی
۷ آبان ۳۰۵ دوره سوم مجلس شورای ملی افتتاح شد

از ۱۶ اسفند ۳۰۵ تمام ادارات دولتی تعطیل کردید

در ۲۰ فروردین عبارات به عدلیه احضار کردند

روز سه‌شنبه ۵ اردیبهشت ۳۰۶ برای افتتاح عدلیه دعوت شدم

در عمارت موزه وقتی وزراء را به‌ترتیب به‌جای خودشان دادند

و عدلیه نفر دوم بالفاصله بعد از کابینه وارد شد

در ۲۳ اردیبهشت اعلان افتتاح را دیدم

در ۲۶ خرداد ۳۰۶ سرتیپ ممالک از ریاست وزراء استعفا داد و جمع قبول نشد

دیشب احضار شدم

اول تیرداد ۳۰۶ دکتر بقیه از ریاست کل عدلیه برای کناره کرد

۲۳ مهر ۳۰۵ جشن افتتاح دادگاه انجام شد

در ۵ جلسه هیئت ۴۰ قضات اجتماع عمومی برای انتخاب رئیس دادگاه

۲۶ آذر ۱۳۰۶

از ۲۴ مهر ۳۰۶ برای خرداد ۳۰۷ ریاست وزراء و وزارت عدلیه از

۲۸ مهر ۳۰۶ تا ۲۸ مهر ۳۰۷ (یک سال)

بعضی ۳۰۵ تمرنی بعد از استقلال مجلس استعفا داد ولی مجدداً بالاتفاق

و مجلس ابقی فرمودند و کابینه جدید تشکیل کردید و داور وزیر عدلیه

و تقی وزیر مساعد داد وکاف

در ۲۰ بهمن ۳۰۵ بخش هفتم شامل ۴۵ اعلان دادگاه عدلیه از طرف

داور وزیر عدلیه منتشر شد که از روز دوشنبه ۱ [illegible] تشکیلات موجوده ظرف

دو روز بعد بجز داور وزیر عدلیه دعوت شده

۲۷ بهمن ۳۰۵ وزیر عدلیه اظهار داشت برای تجدید تشکیلات عدلیه وکاوتی

تقاضا مجلس کرده و تصویب شد ——— و در دستور وزیر عدلیه تشکیلات موقت را داده

از همین تاریخ اول تنها سرقاضی یک محکمه جمع محدود و یک شعبه استیناف و یک شعبه

جمع نامحدود و یک وکیل عمومی و حد مستنطق تشکیل کردید

قرنه‌کار اوقاف به‌سمت وزارت عدلیه برای مرحوم ۱۳۰۲ بهمنشاه بطریق وکالت

اسم و لقب — تاریخ ابتدا — محل اقامت خانواده طرف

پدر — مرحوم حسن میرزا صبح‌دیوانی — محل تولد — تم — طبیب و تبعیت بلد، ایرانی

نام خانواده — ناطق — تاریخ تولد — تخمیناً هزار و دویست و پنجاه و دو شمسی — محل دارد

شرح و شهرت و هیچ یادداشت

عده اولاد — ۱

| شغل و مشاغل | ادارات یا وزارتخانه | تاریخ مأموریت | | |
|---|---|---|---|---|
| | | از تحریر | تا تاریخ | |
| نایب تحقیق تلگرافخانه | وزارت عدلیه | ۱۳۲۸ | تاریخ عفو اللهدول | خاتمه |
| شاگردی محکمه استیناف طرقی | " | تاریخ عفو اللهدول | ۱۳۳۰ | خاتمه وزارت |
| نایب تحقیق محکمه استیناف طرقی | " | ۱۳۳۱ | تاریخ دقعی ۱۳۳۲ | بواسطه |
| نایب تحقیق محکمه استیناف دارالخلافه | " | ۵ دقعی ۱۳۳۳ | ۱۸ ثوال ۱۳۳۵ | وفات |
| نایب تحقیق محکمه استیناف دارالخلافه | " | ۱۸ ثوال ۱۳۳۹ | ۱۹ صفر ۹۹ | بواسطه |
| نایب تحقیق محکمه استیناف دارالخلافه | " | دقعی ۱۳۳۹ | ۱۹ صفر ۹۹ | بواسطه |
| مختصب تحقیق قوانین | " | ۱۹ صفر ۹۹ | ۳ جمادی ۱۳۰۰ | بواسطه |

| | | | |
|---|---|---|---|
| سمت و دیوان تمیز | " | ۳ جمادی ۱۳۰۲ | ۱۸ ثوال ۱۳۰۲ بواسطه |
| کفالت نیابت تفتیش دیوان تمیز | " | ۱۸ ثوال ۱۳۰۲ | |

تصدیق شد ام فرع در عدلیه بطریق وزیر است

در ۱۸ شوال ۱۳۲۷ که وثوق الدوله وزیر عدلیه و مشیر الممالک سابق سمت وزارت عدلیه را داشتند دیده شد که در اظهارنامه بالا دیوان تمیز را بدون اطلاع ناقص نوشته بود و اصلاح شد

مشیر الدوله وزیر عدلیه شرح فرع را با اینکه با مشیر الدوله سابقه ندارد رقم نموده و عدلیه رقم از طرف مشیر الدوله چند مرتبه دعوت شده بود

دعوت عضویت دیوان است

وزارت عدلیه عظمی

از

مورخه ۲۷ شهر ذیقعده ۱۳۲۷

نمره ۱۳۲۴

جناب مستطاب آقا سید محمد [illegible]

جناب عالی امروزه باید در وزارت عدلیه عظمی حاضر شوید و خود و هریک را الدنی دارم و دیر باشد مواخذه
خواهد شد. البته از فردا که یکشنبه ۲۷ شهر جاری است هر روز قریب
ساعت دو ـ شهر ذیقعده ۱۳۲۷ ـ وقوع ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۸
[illegible] از تاریخ مذکور فوق تمام بلدیات بلدیه [illegible]
قبلا بایست محکوم و از انتخاب خود در قبول نکرده و در ۲۷ صفر ۱۳۲۸
خانه بایست شب تا به حوالی ساعت چهار در شب نشسته باشد
(شرح نمی بحضرت اقای [illegible] حضرت علیه [illegible])

[illegible] برای رسیدگی به [illegible] و دعاوی مستطیلی و مطلوبین در محاکم عدلیه با [illegible]
[illegible] ۱۷ و ۱۸ [illegible] و طرف دعوی

وزارت عدلیه عظمی

از

مورخه ۲۷ شهر ذیقعده ۱۳۲۷

نمره ۱۳۲۴

جناب مستطاب آقا سید محمد [illegible]

جناب عالی امروزه باید در وزارت عدلیه عظمی حاضر شوید و خود و هریک را الدنی دارم و دیر باشد مواخذه
خواهد شد. البته از فردا که یکشنبه ۲۷ شهر جاری است هر روز قریب
ساعت دو ـ شهر ذیقعده ۱۳۲۷ ـ وقوع ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۸
[illegible] از تاریخ مذکور فوق تمام بلدیات بلدیه [illegible]
قبلا بایست محکوم و از انتخاب خود در قبول نکرده و در ۲۷ صفر ۱۳۲۸
خانه بایست شب تا به حوالی ساعت چهار در شب نشسته باشد
(شرح نمی بحضرت اقای [illegible] حضرت علیه [illegible])

[illegible] برای رسیدگی به [illegible] و دعاوی مستطیلی و مطلوبین در محاکم عدلیه با [illegible]
[illegible] ۱۷ و ۱۸ [illegible] و طرف دعوی

در شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹ که عدلیه منحل شد از طرف وزارت عدلیه دوستدار

نمره ۲۹ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹

جناب ... آقای میرزا احمد خان رئیس شعبه ثانی ابتدائی و دادستان

چون در موقع بحران بر حسب رای هیئت وزراء وقت مقرر شد [illegible]

برای امور فوق فوری متخلفین یک شعبه جزائی باشد لهذا بموجب این

شعبه ثانی منتخب شده است علیهذا از امروز سید احمد

با هیئت حاکمه و اجزاء سابق از ساعت یک بظهر عازم [illegible]

حاضر و با امور فوق فوری متخلفین با کمال جدیت رسیدگی و حقانی [illegible]

شهر ذی قعده ۱۳۲۹

وزیر عدلیه علی

نمره ۱۲۲

وزیر عدلیه پس از کلک ای جناب مستشار عدلیه نظر به کفایت مرقوم شهر شوال ۱۳۲۹ مطابق ۶ اکتبر ۱۹۱۱ راجع به تشکیلات وزارت عدلیه جناب میرزا احمد خان رئیس شعبه ثانی حقوقی را انتخاب نمودی محکمه متخلف طهران قبول داشته بنابراین کار کلی وقت دوباره بایان با محاکمه رجوع به پرونده شده ضامنه بیان را تا حد امکان خواهد احمال و اقدام فرمایند

طهران یکهزار و سیصد و سی شهر

از طرف وزارت عدلیه

مستشار عدلیه

فوج ارتباط عدلیه نمره ۵ شهر ۱۴ ۱۳۳۰

۲۳۷ ع

مورخه ۲۰ شهریور ماه ۱۳۳۱

عده ۷۰۶۷

ریاست کل حاکم اوقاف

برابر رای ماده (۷۹) اصول تشکیلات مقرر داشته جناب آقای
سید محمد و جناب حاج ... برشته به درجه ... نایب اول قاضیه ... و
دو قاضیه عادی را البته که ادا باشد در یکی از شعب ... برای مرافعات
آقای ... نامبرده و اگذار نمایید. رئیس کل وزارت

مورخه ۲ میزان ۱۳۳۵

عده ۴۷۶۱

چون برای ریاست کل حاکم اوقاف ... نفر ... نامبرده



در شهر دلفتی سابق در ۲۵ سنبله ۱۳۳۳ در دفتر نمره ۳۸۷۴ ثبت است

سند انتقال املاک موقوفه

در ۱۸ ژوئیه ۱۳۳۵ نمره ۳۱۷۴ در دفتر ۳ اوقاف وزارت ... ثبت شده

که چون صدر الاشراف رئیس اوقاف ... داده امور ... را اداره و ... نماید

ریاست ... تا نظر قطعی اتخاذ با تکلیف قطعی ... نماید

در شهر دلفتی ۱۳۳۵ شهریور ۲ میزان نمره ۴۷۶۱ ثبت

ریاست کل حاکم اوقاف داده شد

در ۱۲ توی ۹۷ نمره ۲۲۲ اوقاف وزارت ... شده که چون ...

انفصال مرحوم حاج ... منتشر شده است لهذا خواهر مرحوم ... استعفا داده

ریاست ... داده و ... انتخاب خواهر ... برای انجام ... جناب حاج ...

خواهد شد

در ۳ جوزای ۳۰۰۰ نمره ۳۳۷ ثبت ... شد

در ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ ه‍ ۳۴۹ خان منشاری تبریز داده‌ام
فوت خان ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۸

در ۸ مه ۱۳۰۲ ه‍ ۱۹۵۱ ملاقات رباب شبانه تبریز
داده‌ام (مناسبت وفات عبدالله زاده به تبریز)

در ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ خان عطار رهن داده‌ام
و این برای جبران نوه‌ام بود که در نظمیه حبس در نظمیه بگیرد و انفصال خواهد
داده‌ام

---

رأی در قضیه‌ی اموال

دفتر رسمی اموال دارالخلافه طهران -

سنه ۳۳۶۴

حاضر صحبه یکی دلالت

آقا میرزا سید محمد ناظر نبیره مرحوم میرزا سید حسن و مرحومه بیگم خانم خانم
از طرف ناحیه تم در تاریخ هزار و چهارصد و بیست و شش
توقیف شده است

امضاء ... مدیر رسمی اموال

---

شیرو خورشید
نظمیه طهران
درخواست

این درخواست از طرف یکی از اهالی محله ۹ عوده‌لان به آقای میرزا سید محمد ناظر ۴۲ سال ۱۰
که کسی نمی‌خواهد عوده‌لان کوچه چاه‌چی باشی خانه غرفه ندارد سبب دخیل دلالت
او در ظهر این درخواست تقدیم کرده طهران بتاریخ
امضای بگیرد یکی

---

در ۹ دوت ۹۹ در بگیرد که برای مذاکره در مسائل راجعه دولیه منعقد شده
دعوت نامه ۱۱۷۲۴ ه‍

در ۱۱ ربیع دوت ۹۹ ه‍ ۱۳۳۴ برای تبریز نظر در قانون اصول
محاکمات دعوت نامه

در ۱۹ ربیع ۹۹ ۱۳۰۷ بطبیق قانون ۱۰ تاریخ

۲۹ جزاء ۳۰۰ ۵۵۸ دیوان عالی تمیز دعوت شد

که حاضر باشد تا بتی تشکیل گردد

---

ضمیمه ترقه خدمت

---

در ۲۹ ۵ ۱۳۰۵/

نمره ۲۰۲۷۳

ضمیمه ترقه خدمت آقای [illegible] تاریخ ۳ شعبان ۱۳۰۵

بتوارد نمره

سن ۵۲

مدت خدمت ۱۶ سال — ۵ روز بترتیب ذیل مشمول ماده ۶۶

۲۰ قوی ۱۲۸۸ — ۸ سنه ۱۲۹۷ — ۸ سال ۵ ماه ۱۶ روز

۱۲ قوی ۱۲۹۷ — ۳ مرت ۱۲۹۹ — ۲ سال ۵ ماه ۲۳ روز

۱۵ مرت ۱۲۹۹ — ۳۰ شعبان ۱۳۰۴ — ۵ سال — ۱۶۱ روز

بقیه مدت قبل از اجرای قانون — — — ۱۱ روز

۱۶ سال — ۵ روز

---

رفع کور تفاوت عهدی $\frac{1}{2}$ بر

ثبت دفاتر ۱۳۰۲ سنه دیوان عالی تمیز

رتبه اداری در اول اجرای قانون اکنام ۷ تفاوت

رتبه فعلی ۷ تفاوت

---

نمره ۱۰۹۰۵

در تاریخ ۵ تشرین ۱۳۰۵ تصدیق شد

امضا

---

در ۳۳ وداد ۱۳۰۵ خان سنه ای تمیز مهاجرت شد بنمره ۲۷۷۵

۳۴۴۳۳/۹۱۰۴

مقیده دفتر ۳۰۵ وداد ۱۳

در جمادی الاولی سنه ۱۳۰۵ بر طبق میرزا محمد حسن خان قزوینی [illegible]
در بلده طیبه طهران قانون نامه [illegible] را طبع نمود.

[illegible] میرزا محمد حسن خان قزوینی در موقعی که قانون عصا را برای [illegible]
ترجمه می نمود.

[illegible]

در اینجا که بکلی ربط به قضاوت و اجتهاد قضات نداشت مورد توجهات
شخصی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه بوده و تقاضا کردند
اداره کبیر و وضع قوانین مدنیه خاصه قوانین مالیه فرموده و دولت را
بیشتر از این مراتب مربوط به تدوین و ترتیب قوانین فاضله و دستورهای
است که می تواند از عهده این امر مهم برآید شتاب نماید فاطر مهر مظاهر
ملوکانه را بدین فقرات آگاهانید که جناب مستطاب عمدة الفضلاء والعلماء
قاهر السید محمد قمی در این راه سعی شایسته و همت کرده بدین قوانین مملکت آراده
و رقعه متذکره سازد و نوعی الیه مجموعه مشتمل بر ۱۴۰ ماده با ملک [illegible]

راجع بقوانینی که در ترتیب داده اند که الحق سزاوار تحسین و تقدیر است اقرار میدارد
است و مجموعه مرقوم مشتمل ابواب در باب مساعدت و املاک و وقف و ملاع
و طلاق و غیاث شهر شعبان المعظم در دست مطالعه است و امید میرود که بزودی طابع
و نقد بر محبی نوزاد طبع گردد و بعد از تدوین قانون نامه از جمله کارهای مشکل است
که در ممالک اروپا سالها وقت و رفع و انتشار آن صرف را هم و غیره
در اینجا هم اگرچه احکام شرع انور و کتب فقها رضوان الله علیهم اجمعین
جزئیات را در برگرفته است لکن تدوین و تنقیح و تکمیل آنها با بقیه [illegible]
و عدم بعضی احکام از ایشان راجع و مشکل بوده که کار قانون را بسیار مهم و بزرگ
عهده برآمده اند و امید آن دارند که از طرف قدر قدرت ملوکانه در این توقیع
خیر تا جلگذاری برای تعقیب بروجه [illegible] تدوین اهل فضل و خبرت
عصای پیری بر سر [illegible] که عبارت نادان از برای [illegible]

جواب که مرقوم داده‌اید

ستاد بسیج وزارت عدلیه عظمی

به عرض می‌رساند که طبق [illegible] ۱۳۰۶ تحت شماره ۲۰۳۵ [illegible] دارد

مکاتب وقف مشتمل بر [illegible] واقعه در [illegible] برای

استفاده از [illegible] مکاتب و مدارس [illegible] و [illegible]

که صحیحاً [illegible] و چون [illegible] مکاتب [illegible]

مطابقه و تصحیح با دفتر ثبت و مرقوم با مراتب [illegible]

رسیده پاکت فوق بتاریخ ۱۳۴۵/۲/۲۲

---

[illegible] که در سال ۱۳۲۰ شمسی و ۱۳۶۰ قمری [illegible] دوشیزه [illegible]

دختر [illegible] که [illegible] بیان کرد [illegible] بطور [illegible]

[illegible] — [illegible] [illegible] [illegible] که از [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [

از طرف ایشان وکیل بنده در امر ادعای مرحوم حاجی سید حسین لاهوری در مجلس دادگستری برای او حاضر
و دادرسی برای دیدن و پسندیدن دفتری برای او برود — روز جمعه یازدهم آبان
۱۳۴۸ از طرف مدرسه خود دعوت کرده چند روز قبل از آن روز نزد من آمد که بعد از
تحویل گرفتن دفاتر از آقای ... بخواهد از طرف من خود دعوت کند و این مهمانی
را بین طرفین قرار دهد خواهش کردم این مهمانی اول را خود بنده و دوستان خودم
از این فکر منصرف شدم و فهمیدم چرا اینطور گفت روز جمعه مهمانی نهار و رفقا تا نیمه
شب بگذرد و نشد تا نیمه شب از اتمام سند حالی به وکیل او بدهد و بعد از تحویل
گرفتن سند حالی به وکیل او بدهد و بعد از تحویل گرفتن سند حالی به وکیل او بدهد
در منزل بنده مهمانی برای صاحب دفاتر عالی کنم و بعد از صرف شام دفاتر را
او بدهم لقمان الملک طبیب رفقا از مهمانی دیگر عذر خواهی کرد
معلوم شد بنکه اعلام کرده که از کار کشیده بود شروع عمل نکرده بود
روز شنبه پانزدهم آبان ۱۳۴۸ از منزل خود به منزل بنده آمد و با هم به
شهربانی رفتیم و دفاتر را تحویل گرفتیم و به منزل بنده آمدیم و ناهار
صرف شد بعد از ناهار دفاتر را به او دادم و او رفت و دیگر او را ندیدم
و نشنیدم که در حضور او بگویم که از طرف او وکیل بنکنم عزل وکیل او را

شرح داد خلاصه اینکه از غروب مشغول محاسبه بود و بعد از غروب بطور ابهامی خواهش
خودم نفهمیدم برای چه کدخدا و چند علاقه داشتم مرا به منزل خانه مرحوم شمس العرفا دعوت
دست مراجعه می نمود از طرف ورثه مرحوم حاجی سید حسین لاهوری بنام صحیح و غرض
و مراجعت حال نمی بود ناظر نشسته منتظر بود در همین موقع صحبت کرد و در ظهر نشسته
که خیلی تعجب کردم از این اظهار نمی خواهد بگوید خیال نکنید که دارد
اگر کابل بیشتر مشهور باشد بدون برود معلوم شد رفقا این مسافرت را بهترین راه برای
فرار نبوده این طور هم بود منهم قبول کردم به خیال اینکه دیگر مراجعت نکنم رفتم
بهترین رفقا با مادر و خواهر خانه را ترک کردم و مجره میرزا عبد الحسین قزوینی
رفتیم و با مرحوم حاجی سید حسین لاهوری گذاردم که فردا بیاید و بگیرد
برای ما بفرستد

روز یکشنبه هشتم رجب ۴۸ مطابق اول دی ۳۰۸ به زور تفنگ
از خانه‌ها بیرون کردند و اهل خانه را از خانه خارج کردند و با عده‌ای
سمج مردی ام ۵ از این اردو را توسیل شده و کشتند و هر اطاق
سوغات و اثاثیه از هر قبیل ایران خانم (باجرخانم) معروف
بحضره و خانم آبادی ملقب به باباخان زن مرحوم آقا محمد حسن
قمی و میرزا ابوالحسن مجتهد و حاجی میرزا مهدی فرخ زادی و کلیه
اشخاص که تا کجا بیت امد ز

سید حسن آقا مجتهدی  میرزا محمد رضا وقار  حاجی میرزا جلال باجر

میرزا محمد اسمعیل قزوینی  میرزا علیرضا برادر محمد اسمعیل  میرزا سید محمد واعظ

حاجی آقا رضا زاده  حاجی میرزا مهدی فرخ  آقا میرزا ابوالقاسم قمی

حاجی میرزا ابوالحسن مرحوم

بداره وقف در دروازه تا گرجه و هشت قاپانی که برای شاه آمده بود
دواب کرده براحت تمودند با حال آمده و جشن این وقت کردند
قریب ساعت از شب گذشته وارد قزوین شدیم و در منزل حاجی
آقا منزل کردیم و همه یک از خانه خود و دیگری از خانه حسن گرجی
یک دسته از صبح اردو قزوین حرکت کرده عصر تو بیاشه قزوین وارد
همان شدیم و در مهمانخانه حاجی میرزا مهدی مهمان شدیم و در عمارت بیرونی
ترتیب منزل با دسته بزرگ حاجی آقا علی پسر حاجی میرزا مهدی
بنا را ۵ ماه عبدالله و همانی و بیشتر همه با همدان برخورد
امد منزل و فعلا اجاره کرده ما را منزل خود برده و پسر را با دیگر
دانده قرار کردیم صبح بعد از طلوع آفتاب از همدان حرکت کرده

بهاء موقوف کرد شب‌های پنجشنبه ۲۳ رجب و شب پنجشنبه ۲۴ و شب جمعه ۲۵
این بود هم صبح جمعه ۲۵ از کرمان آمده و ملک کرده بود از نظر تعجیل
رسیدم قزوین برای عزیمت تهران دو چاپاری و تلگراف توقف کرده
از اینجا تلگرافی که گمرک خانه ایران است ۱۸۰ تومان قاضی و پسر
صدر السلطنه رئیس گمرک این اخبار را داد بواسطه عرف عاید و بسیار
ملک کرده نزدیک غروب وارد گمرک خانه قزوین شدم اسباب‌ها را
تفتیش کردند پس از آن گاری و مأمور همراه شده وارد تهران شدم
از شب شنبه ۲۶ رجب ملک کرده صبح وارد تلگرافی شدم از
روز شنبه ۲۶ رجب تا روز جمعه هم شبان در تلگرافی توقف
کردم صبح جمعه با مأمور بطرف کرمان حرکت کرده عصر وارد شدم
و در خانه کهنه ملک حاج مشهدی صبح روز شنبه از اینجا

همراه آقا سید ابوالفضل در قهاب‌ان قاری‌ها متفرق شدم و تا روز هفتم شنبه ۲۶ شنبه
در کرمان بودم در این چهار روز بزیارت حضرت طفلان مسلم و قاسم
روز هفتم شنبه ۲۶ شبان بتلگرافی قزوین حرکت کرده در روز قهاب شنبه ۲۸ شعبان
وارد شب پنجشنبه ۲۹ و شب جمعه ۳۰ در قزوین بودم روز جمعه تلگرافی
۱۸۰ در بین راه در تلگرافی زاده سید محمد را زیارت کردم شنبه
غره رمضان وارد شب یکشنبه هم در تلگرافی توقف کرده روز یکشنبه بتلگرافی
حرکت کردم ۲ شنبه ۳ و ۴ شنبه چهارم در کرمان بودم روز چهار
شنبه پنجم شب پنجشنبه در خانه سید ناصر خادم ماندم روز
پنجشنبه بخانه سید حاج امین زاده فرزند آقا سید ابوالقاسم منزل و شب شنبه ۱۱ رمضان
قزوین وارد ایران شدم و قاچ از اینجا حرکت کرده روز ۱۳ شنبه نزدیک

شب جمعه بیستم ۱۳۵۰ وقتیم مسجد کوفه نماز مغرب را در آنجا خواندیم بعد از
نماز مغرب وقتیم مسجد کوفه شب را آنجا گذراندیم صبح مسجد کوفه را
بجا آوردیم روز جمعه ۲۱ حرکت دادیم باران شدید و تگرگ و برف
و آفتاب همراه ما بود تا رسیدیم بکنار حله بقصد زیارت حمزه و عباس
در وسط راه ذی الکفل رفته زیارت کردیم از زیارات دارد قضا
عمرش که یک گوشه ای مناره ای است و آنجا محل نزاع مابین مسلمین
و یهود بوده مسلمین بر یهود مناره ای که در آنجا هست مدعی
آنجا مسجد است و یهود دست مسلمین باشد و یهود منکر هر کدام
باشد و اشراف دارند از آن قضا الصحن دارد و از صحن
بحوطه متصل و از آنجا وارد بقعه که ضریح ذی الکفل
در آنجا است و بقعه بزرگ و دارد قضا متصل

میرزا که آنجا رفتیم در آنجا بهت دیگر مید متعلق بآنجا نیست
و آنجا ها همه آنها را خراب کرده اند تنها ضریح آنجا باقی مانده
و در قبه ذی الکفل کلیمی و مسلم هر دو سکنی دارند
بعد از زیارت از آنجا حرکت کرده عصر وارد حله شدیم در منزل قضا
نماز دیگر نماز ظهر و عصر را منزل کردیم شب شنبه ۲۱ در حله بودیم
روز شنبه برای زیارت قاسم و حمزه حرکت کردیم اول بزیارت
حمزه رفته در آنجا نهار خورده بعد از زیارت و نماز مراجعت کرده
بزیارت قاسم رفتیم حمزه پسر حضرت عباس و قاسم را پسر امام
حسن گانم سید اند شب یکشنبه ۲۲ یک ساعت و نیم تقریبا از شب گذشته
بحله مراجعت کردیم راه قاسم و حمزه نخل و در بعضی جاها آب ایستاده

بجهة اینکه شب قبل باران آمده بود اتومبیل بگل و لجن و آب
رفته شده بود در مراجعت از قاسم قرار باران آمد و در 12 بگله
برد شده بود با بهای گاو اتومبیل دیگری آورده و بزودی
آب بزودی بگل آب رفته شده بود شب یکشنبه 16
بزودی رسیدیم و روز یکشنبه شب مراجعت کردم و بدارائی در حیاط
و گذشته هشتم شب یکشنبه 23 فرستادیم بگله و شب شنبه
24 گاطلین و نفت و وقته برای اینکه به فهم بگاهی که در آنها
بول بیکرم بقدر حاجت ملکه هم و دهند با شنبه و شب شنبه
25 شب مراجعت کردم و تا روز 29 رمضان بگله
در کنف بودیم روز 29 بگله آمده از شب یکشنبه غازان

تا سه شنبه دهم در بگله بودیم خبری از پول نرسید روز سه شنبه دهم با قافله
بغداد درفتم و سلیمانیه برای محمود اغا قحی هشت رطل برای ملکه
زلیخه هشت روز در آنجا بودیم 11 بگله مراجعت و روز یکشنبه 15
گاطلین و نفت در بگله تمام کرده برای ملکه گذاشتم برای شب نوزدهم
داریان حاضر و قافله در بغداد و به تذکره را تعلیم عراق دو تذکره
زنبه امضا کنند و دران ایام امضای آنها متوقف بود و بانکه
از بگله بگنج علیط اتومبیل دیگر بگنم نرا اول از بگله بگنج
علیط در جاده اول دیگ علیط در جاده دوم کثر دیگ علیط اتومبیل
سنی نوری از بغداد تا بهروت رفتی و به کنج گذشتم

روز چهارشنبه ۱۸ شوال اول عکس از جده و بعد در حرکت
جهت ینبع و بعد از ظهر تقریبا ساعت ۴ به ینبع رسیدیم
نظمیه از ما سئوال و روز بعد با مقامات قونسول دانمارک
ملاقات نمودیم و به اطلاع مساعدت آقای ... بر حسب دستور
ایشان کارها زود تر انجام گرفت و از مساعدت ایشان بود چند روز
دیگر معطل میشدیم خدمتی که از جانب اعلیحضرت در گرفته
متوقف بود بالمال دویست و هفتاد لیره برای بلیط بدریه و دویست
و دیگری برای بلیط عده نوشت برای کشتی که بعد از چهار شبانه روز
به مصر رسیدیم و قنسل ایشان و همچنین سه نفر از رجال ینبع
را بطهران فرستادیم و خود بطرف مکه رهسپار گشتیم

در اینجا هم زیارت بعضی از اصحاب کرام حضرت رسالت
در بازار عطارها در خانه ایست در زیر بنائی که گنبدی در سر آن
است مدفون است و یکی دیگر در بازار رواج دارای صحن
و مسجد منفصل است و محمد بن عثمان که شیخ قندز مدفون است
نزدیک دارای صحن و مسجد و خرابی و گنبد منفصل است و مسجد عثمان
نزدیک سراپه و کتابخانه ایران بود اینهم دارای مسجد و صحن و گنبد است
یکروز هم زیارت سلمان و حذیفه و ... قلعه کری و بنا افتتح
بعضی دیگر از صحابه
میباشد عصر راحت کردیم
برای اینکه یک جدان برای لباس و یک جدان برای اسباب طبخ

در اینجا نمونه چندین از آداب جاری است در حوض وسط صحن چهار دوازده
و حوض جنب و هم حوض خانه تو وسط دو چهار سکراج از آنها
آب جاری است و از آن بلکه کشته در تمام خانه‌های شام
آب جاری چنان شده از هیچ خانه بیرون نمیرود و بلکه
از هر خانه مستقیماً وارد نهر بزرگ شده بخارج شهر میرود
در جنب باغها و کوچه‌های شام هم جا هر جا حوضهای آب جاری
هست در شام عموماً بعد از اذان مغرب قبل از ناهار
شده در شام زیارت حضرت زینب و هم در حضرت رقیه
و در ستخانه مشتمل بر وعظی میشود در حضرت سکینه و خود
... بعضی تجوید و بعد از ناهار استراحت کرده
منزل جنب حمام در جنب جامع اموی است و از جامع اموی

تا میدان نوری حمیدی است و جنب جامع اموی میدان آسی است
بهت و این قهوه‌خانه بهت کشته کشتی اول در اول دقیقه ۱۲
و یک سیگنال برای بیدار کردن مسافرین اول در دقیقه ۲۶ از اول ازشام
باید قبل به بروت رفتم اتومبیل چهار الی نیم ساعت به بروت
میرسد در دقیقه بروت منزل کردیم اینجا باصفاتر از
هر خانه‌های بروت بهت اطاقهای متعدد دارد در یک اطاق
منزل کردیم و قرار گذاردیم با صاحب خانه کسی دیگر اطاقها را
تهیه از اینجا خانه‌ها میروند کمتر از اهل و عیال است با خانواده
در اطاقهای طبقات منزل دارند و درها همه قسم در حیاط
بروت برای دقیقه توقف و تعداد شام و نهار صحنا آورده

در قایق دیدم دست قبادر و گذرنامه و پاسپورت و کرایه و در نیجه تمام وسایل و تقریبا تمام
(۱۴ قورو دین ۳۰۹) کشتی ما ظهر حرکت است مسافرین
در سالن مشغول حرکت شدند ما هم در قفسه بسته های کشتی را دادیم و عوض
اینکه مسافرین ثبت در اطاق ها شده بسته ها را در اطاق ها
بگذارند هرکدام تعجب داشتند زود تر بسته خود را گرفته
در کشتی رفته جای بهتری برای خود بگیرد و با تمنای دو دادن پول
در حیه بتوانند میز سر متوسل بشوند تا بعد از ظهر طول نکشد
که بعد ها نتوانند و بعد از کشتی ما هم بسته درجه اول داشتیم
از اینجا ما با اطمینان میدادیم تا بعد از ظهر بعد از کشتی ها رفتند
بعد ها بنوبت برای گرفتن اطاق درجه اول برای ما آمدند

برای فرهم در اطاق دیگر با هم نوازروزهای عرب منزل داده بودند
در سالن برای هر سه نفر ما تختخواب گذاشته بودند
دنیا گذاشتم و همین درجه اول داشتم انتخاب داده بودم
در سالن مشغول تماشای دریا بودم بعد از ظهر باد و باران شدید
گرفت و دریا متلاطم شد با اصطلاح دریا رفته شد احوال اهل کشتی بهم
خورد ما از درجه یک خوب که به پرت سعید رسید دارا
گرفت در اینجا دیگر نتوانستم غذا بگیرم هیچ چیزی که ممکن بود خورد
برقتال دلبو ترش و دلمه کلم در زبان دلبو در تنهای دیگر
از هیچ ترش به پرت سعید ماند و چراغ الکتریک پیدا شد که

صبح زود روز بعد کشتی به بندر بوشهر رسید و مسافران پیاده شدند. در این بندر هم مأموران گمرک به بار و بنه مسافران رسیدگی کردند و پس از آن مسافران توانستند به شهر بروند. در بوشهر هم قرار شد کشتی یک روز توقف کند و روز بعد حرکت کند. مسافران یک روز در بوشهر ماندند و روز بعد سوار کشتی شدند و به سوی بندر لنگه حرکت کردند. کشتی در راه دو بار توقف کرد و سرانجام به بندر لنگه رسید.

در بندر لنگه هم مأموران گمرک به بار و بنه مسافران رسیدگی کردند و پس از آن مسافران توانستند به شهر بروند. در لنگه هم قرار شد کشتی یک روز توقف کند و روز بعد حرکت کند. مسافران یک روز در لنگه ماندند و روز بعد سوار کشتی شدند و به سوی بندر عباس حرکت کردند. کشتی در راه یک بار توقف کرد و سرانجام به بندر عباس رسید.

در بندر عباس هم مأموران گمرک به بار و بنه مسافران رسیدگی کردند و پس از آن مسافران توانستند به شهر بروند. در بندر عباس هم قرار شد کشتی یک روز توقف کند و روز بعد حرکت کند. مسافران یک روز در بندر عباس ماندند و روز بعد سوار کشتی شدند و به سوی بندر لنگه حرکت کردند. کشتی در راه یک بار توقف کرد و سرانجام به بندر لنگه رسید.

در بندر لنگه هم مأموران گمرک به بار و بنه مسافران رسیدگی کردند و پس از آن مسافران توانستند به شهر بروند. در لنگه هم قرار شد کشتی یک روز توقف کند و روز بعد حرکت کند. مسافران یک روز در لنگه ماندند و روز بعد سوار کشتی شدند و به سوی بندر بوشهر حرکت کردند. کشتی در راه دو بار توقف کرد و سرانجام به بندر بوشهر رسید.

در بندر بوشهر هم مأموران گمرک به بار و بنه مسافران رسیدگی کردند و پس از آن مسافران توانستند به شهر بروند. در بوشهر هم قرار شد کشتی یک روز توقف کند و روز بعد حرکت کند. مسافران یک روز در بوشهر ماندند و روز بعد سوار کشتی شدند و به سوی بندر دیلم حرکت کردند. کشتی در راه یک بار توقف کرد و سرانجام به بندر دیلم رسید.

رسیدم جلو خانه که قهوه خانه دل کبابی هست و دیدم عوارد
اتومبیل سید جندقی را الان جلو خانه ام جلو پنجره ۱۲ دقیقی وارد
شده منتظر من است. طرف خانه سید مصطفی هست دو سه دقیقه
از اتومبیل فرود آمده اسباب را در وسط خانه گذارده طرف
حجله خانه دلفیق محله خانه دلفیق جانب ارتفاع شهر قدم زنان
پست بیرون حصار قدم آباد در زیاد دست خانه دلفیق تمام شیعه
هستند نسبت تردد فیق انجا دارد قدم آخر کوچه ای هم در
خارجی انجا وارد دیلیز هر یک خانه دلیلی اطاقه
اگر هم فقط صاحب خانه در یک اطاق در یک اطاق در
منزل دارد صاحب خانه و عیال و اطفال دلیلی با مال خود

بعد از ورود تمام اسباب و لباسی را که در کیف مخصوص از عبارت خانه بود
تطهیر کرده بعد از غسل بطرف بقیع رفتیم ابتدا در بقیع زیارت کردیم
بقیع در اینزمان قبرستان مخروبه است تمام بقاع و ضریح ها خراب
شده فقط عمارت قبور باقی مانده بقدر یکچهارم یک تقریبا
در وسط مرتفع آنها را مطلق در محوطه بقیع بنا عمیق احداث است
در دو دیوار زیارت مسکونی هست و تمام زیارت قبور بقاع مطهره
عمیق قدم سیر خندق در زیر یکسر بناها تقریبا و بیرون دیوار
خندق ها محوطه است با دیوار زیارت کوتاهتر بر سطح مطلق با دروازه
کوچک مراجعت کنند قبور متصل بهم مال ائمه اربعه است

نام حسن مجتبی نام ابن عباس نام کعبه نام قبر امام جعفر صادق
علیهم السلام بنا هفده قدم تقریبا بالای سر ائمه قبر عباس عم
حضرت رسول است طواف بیت الله و ایشان خواهیم بود
نگذاشتند از حیاط ایشان باقی است هفت قدم
بنا هفده هفت قدم از قبر ائمه بطرف قبله قبر حضرت حمیده
که بروایتی ایشان مدفونند قبر روضات بیغمبر و امام کلوم
و فاطمه و نیف و قبر عثمان در بقیع است و همچنین قبر
حلیمه سعدیه از دروازه طرف بقیع که داخل شدیم طرف
دست بنا هفده قبر اسمعیل بن جعفر الصادق است و یک
اطاق است که الان اطراف ان مسدود است و ضریح و دیوار

قبر را برداشته اند فقط یک اطاق تنها مانده باقی است از انجا رفتیم
زیارت حضرت رسول از باب جبرئیل وارد حرم شدیم باب
جبرئیل طرف شرق طواف بقیع است هیچ حضرت رسول
که قبر اکفرت و پنجتن و چهار بقیع طاهره در ان است بحال
خود باقی است از چهار طرف پنج است حجره و خانه ازواج مطهرات
حضرت رسول است و همه باب دیگر خانه حضرت چهار بقیع
که قبر اکفرت در ان است باب ایشان و حضرت فاطمه باز است
خانه حضرت چهار بقیع در طرف شمال و حرم حضرت رسول در
جنوب است ظاهرا شمال مسجد و ضریح مطهر بیمانند که زیاد میرا
نوشته باز است و تغییری نکرده اما ان که در ۸ نیز در ۱۲ نوزده

زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع صبح دیشب میرفتم زیارت بقیع
را باید قبل از غروب رفت و الا در دروازه نمیگذارند ولی زیارت
حضرت رسول تا هفده شب گذشته ممکن بود در تاریکی رفت
حضرت هم همینکه پشت کرد بود و میخواست یک قدم بگذارد
ولی نیتش در مسجد خواندن نماز و قرآن هر قدر طول میکشد مانع
نداشت کتب زیارت بقیعه را باز کردن و از روی آنها یا از حافظ
یاد زیارت کردن ممنوع بود و در بقیع هم با پیله دادن
مقداری وجهی توانستم بیشتر توقف کنم روز پنجشنبه حدا بلوچ
رفتم از دریچه عباسیه گذشتم بیرفتم قبر حضرت حمزه و شهداء احد
را زیارت کردم قبل از زیارت در آب قناتی که آنجا جاری است

غسل کردم عبادت آنجا را انجام داده همینجا را برداشته آنرا
بالاتر از قبر حمزه مسجد کاهیست نماز خواندم قریب بمسجد آن از قبر
حمزه بالا میرود در کوه سلاح ذخیره پنج شش ذرع بالاتر از
همان سنگ بند آنجا حضرت رسول در جنگ احد آنجا نشسته اند
از آنجا قریب بمسجد آن بالاتر در اواخر دره آثار عمارتی بوده
که بکلی محو شده ظاهرا آنجا بوده که فاطمه میرزا حاکم مدینه
مسجد ساخته که عبدالحمید جبیر با کمانداران در آنجا با مر حضرت توقف
کردند زیارت نمودند اما کنار باغ نه مراجعت کردم
ممکن نزدیک احد چند قهوه خانه هست جاهای عمده هیزم است
سوخته بعد نه برگشتم بگذرم در مسجد قبا رفتم از آنجا بجنوب نه رفتم

میدان نارون درختان بلند و پرشاخ و برگ ظهر را مهمان مردم بود و هر کدام از آنها سعی
خانه‌ها بالاتر از مسجد قبا بطرف جنوب بیشتر عمارات دارد و شامل
راه‌آهن و بیرون و بعضی عمارات اعیانی است که از آن جاده
بوسیله تراموا و پرتردد و بیابان و بقیه آن مسجد قبا و آن
و در وقت بود و قسمتی بوسیله های دیگر دارد و معلوم که مسجد قبا در آن
است عوالی میگویند از هفده تا مسجد قبا و خانه مردم تا نخلستان
است با عرباته رفتیم و مراجعت کردیم پیاده و هم در هفده
مهمان سید حسن پیر لبه عراق شهر و دهان خوبی هستند تا روز
یکشنبه بیستم و نهار و شام در هفده ما هم گرفت تشریف بردند و در
دو هفده بودیم عصر روز بیستم در هفده غسل احرام کرده
لباسهای احرام پوشیدیم به وقت احرام امدیم نزدیک دروازه



هفده که از آنجا باید سوار اتومبیل شد تا یک ساعت و نیم طول کشید اینجا معطل شدیم
که تمام اتومبیل ها جمع شد ۱۰ دقیقه بعد از ظهر حرکت کردیم و در بین راه
در اینجا مسجد مصطفی تشریف داشتیم عصر از آنجا بگذشتیم دارد و شاگرد و مطوف
داشته و دوم در هفده عصر ۶ ساعت جمعیت که بیشتر نامه خود را محفوظ
دارند امدند با آنها صحبت داشتیم یک مجله هم از هفده برای
ما هدیه آوردند و پیشکش کردند ساعت ۷ از شب گذشته با اتومبیل
حرکت کردیم در مسجد شجره از اتومبیل توقف کرده بیرون آمده مقداری
که از قافله عقب مانده بودند آنها را منتظر میشوند بعد دارد
از هفده ها پایین رفته در چاه غسل کردیم و از آنجا مسجد شجره
رفته نیت احرام کرده نماز دو رکعتی احرام خواندیم و مراجعت کردیم

۲۳ دقیقه‌ای جمعه‌خان مسجد شاه رفته اند نهم طواف را شروع کرده
از قرار خارج شده نهم اصیب ها طواف را بجا آورده
با قرار ۱۸ اوزه صبح دیشب مسجد شاه رفته نماز طواف
بجا می آورد و در اینجا ایران با معرفی خارج
اختلاف دارد و اینطف فیلم بهاب تزئین ایرانیها میدهد
سه شنبه تجوم انها اول ماه دیگر است انشاء الله
از قبیس رفته ها نه هم کرده می اوقات تنها شب
جمعه رفته ام در مکه اوقات خوبی گذرانده ام جمعی
در دریا دیده ام و در شب سه شنبه اوقات خوبی
موجب قطع شده و قاضی و تاجر هم در همین ماه عازم

شب چهارشنبه اول ماه دیشب خوابیدیم بدین طریق خاتمه یافت
از کرانی خارج شدیم شب پنجشنبه ۹ دیشب در کجا خواهیم شد
دیشب ساعت ۱۰ شب گذشته حرکت کردیم قبل از صبح بزرگات
رسیدیم در جاده‌ای که پیدا کرده بودند منزل کردیم یک چادر
هزار و نهصد نفوس شخصا رفته بودم تلفن هاوود و انجا رفتم برای
حاجی خانم و تلفن دیگر برای صبح به ابراهیم و قاسم و فردای
از دوشنبه تا بدار نخوب دوغرفات میرویم از ظهر از دوز اهل شهر
با بندی که دوغرفات رفتند دارد نخوب حرکت کرده بلاخره
شب چادرهای ما را بتدریج از نخوب خواهیند و ما

باشد عمده متوسل طواف بودم هنده دانه و فیار و لیموی ترش
و برتقال و بعضی میوجات دیگر و در که بود بخ هم زیاد و در هند
گران تا بیشتر خانه‌ها نیست که مکعبی یخ بسته و دارند شربت
زوبهای ما (معمولا بیشتر از ۲۰ چارک تومان) چارک تومان ما تا ۱۵ تومان
گاهی بیشتر ولی بواسطه گرمی هوا تا ۱۵ تومان) و بیشتر عده‌ای
من جمع بد لرثت تاریخ با بیوه که از اکبر بعد و بیاض اورده بود)
با هنده و بسته بود بخت سیل بنگرد م که فیلم که بعضی از دوستان
از گرما و دنیا دی عرق خواب نمیبرد و بعضی شبها در پشت بند پیراهن
ام از تن بیرون میکرد) قبرستانی که چیزی حضرت صدیقه
بکری و ابو طالب و عبد مناف و عبد

دیگر در این است دور از همه که او بگه بوده است سیر و هنوز خورده و از بگه خانه
نشده و طرف عصر عادت است که همچون بیشتر هندیها یک روز
عصر بشنبه خواستم انجا زیارت کنم اطراف قبرستان دیوار
دیگی مسدود بود و بالای کوهی که مشرف بقبرستان و شهر زیارت
کردم بنا بگفته مهندس است و نخ قلعه انادی باقی است
بعضی مواقع دیگر که برای ترک و بنا است سیر و هنوز از شمال خانه
حضرت رسول و خانه که مولد حضرت امیر بوده حال نوآ
شده اجری از انها باقی نیست بالای کوه ابو قبیس هم
بجز از یک مسجد بنا های دیگر را خراب کرده اند

محل عایشه هم از مغرب دستم دیگر بگیرم بیاورم خانه بگیرم اما
خودان نبود درست کرده بهت انسیت در حجاز رفیق خوبت
انجا نشدیم در دلگا بها دیدم از نا امنی راه تا دهکده بیشتر
و سرقت و جیب بریها و قتل حاجی اثری از انها پیدا نبود
کمتر پیاده ممکن بود با پول از فیده بعد بیشتر از یکه ده بیشتر
بلکه بود هیچ سرقت یا جیب بری نه دیدم و نه شنیدم
با همه حال با بد از یکه سر افت کرد حکومت اول بلکه نتوانست
بیشتر روز اجازه داد انها حرکت از روز هفدهم بلکه
بکمتر روز اجازه داد و شد از روز بعد عطله انکه شب بعد
عذر بود، حرکت نکردیم و در یکه ما هم روز شنبه ۱۸ محرم

کاروانها بیرون یکه کرایه اتومبیل کرایه شتر بود و یک جهت
در کاروانها زیاد است هر اتومبیل که از فیده میاید جهت حمل
کرایه بهر دسته بود هر کدام میتوانند دو تن بار ببرند تا ۱۹
در کاروانها نه هم بجهت انکه تا صبح شب ها اتومبیل نیاید روز ۱۹
هم تا بعد از ظهر کاری اتومبیل نیست ولی باز نباید بیهوده زیاد
جهت و نیز بواسطه اشتباهی که ما بین عرب و ترک واقع شده
بود بعد از ظهر از ترک دیگر هیچ اتومبیل کرایه نیاورد هم و ما
کردیم توقف ما در یکه از شب ۲۲ تقریبا تا عصر ۱۹ و بجمله
بیست و هفت روز طول کشید ساعت تقریبا از شب بیستم دیگر

گرفته و از طبقه هشتم منزل نشان داده در طبقه اعدای
انتزال بالای بام تا تمام محفظه ی عزده و بترا قطع کردم
هوای طبقه در صورتی مراجعت کرد بهتر است هم نزار در
وقت رفتن تنها بالای بام محفظه بلند و راه
هوا را بدست بدهی تمام رفت خوب از طبقه تر بلوک
سفل اینکه باران ادامه میابد از دی ۴ طبقه هوای بسیار
ه ی دارد و فیلم کثیف است حضرتها در انجمن تا مراجعت
در انبار باید بسته و با لفوض در طبقات پائین و کوچه ها
که جای طبقه منزل دارند منزل با چتر ها بسته
میخورد و از هر شعبه ۲۰۴ تا ۲۰۵ از قرار نامه

ایران کافیست دو اداره بلیط است قرار هم نکند و در شعبه ۲۱
داده نفر است ایران تذکره اشخاصی را که از کجا فیلم بلیط گرفته
نه پشت نمیدارد و همه جا که گرفته فیلم ازان تر و با چه
قرار گرفته در نسخه هم تذکره ایرانها را سفل سیکرد با چه موضوعات
ایران حساب داده قال و قیل دیده که گاهی سیکرد ۸ طبقه شعبه
۲۲ از اداره فیلم بلیط گرفته انتظام انجا هر کسی بلیط درجه اول داشت
اگر کتبا حرف نداشت درجه دوم و اخیر بلیط گرفت سیداد نه
والا میگفتند درجه اول نیست همه گفتند تا گرفتن دیگر با بر حضرتها
ه بلیط درجه اول نگرفته ایم شعبه ۲۳ بالای

بزرگترین بنای سنگی است که با به کار گرفتن چند میلیون قطعه سنگ ساخته شده است.

تاریخ بنای هرم به دوران سلطنت خوفو، فرعون دوم سلسله چهارم مصر باستان برمی‌گردد. او در حدود ۲۵۶۰ سال پیش از میلاد حکومت می‌کرد. هرم خوفو در نزدیکی شهر کنونی گیزه در کشور مصر قرار دارد.

هرم خوفو در ابتدا ۱۴۶ متر ارتفاع داشت. اما در طول زمان، بخش بالایی آن فرو ریخت و اکنون ارتفاع آن ۱۳۸ متر است. هر ضلع قاعده هرم ۲۳۰ متر طول دارد. مساحت قاعده هرم حدود ۵۳ هزار متر مربع است. حجم هرم ۲۵۹ هزار متر مکعب برآورد می‌شود.

هرم خوفو از حدود ۲ میلیون قطعه سنگ ساخته شده است. وزن متوسط هر قطعه ۲.۵ تن است. برخی از قطعات بزرگ‌تر، تا ۱۵ تن وزن دارند. این سنگ‌ها از معادن نزدیک و از آن سوی رود نیل آورده شده‌اند.

در داخل هرم سه اتاق وجود دارد. اتاق پایینی هنوز ناتمام است. اتاق دوم که به اتاق ملکه معروف است، در وسط هرم قرار دارد. بزرگ‌ترین اتاق، اتاق شاه نام دارد. این اتاق ۱۰ متر طول، ۵ متر عرض و ۶ متر ارتفاع دارد. سقف اتاق شاه از ۹ تیر سنگی بزرگ ساخته شده است.

دو راهرو از اتاق شاه خارج می‌شوند. یکی به سمت شمال و دیگری به سمت جنوب. این راهروها احتمالاً برای هدایت روح فرعون به آسمان ساخته شده‌اند. راهروها تنگ و کوتاه هستند. ورود به آن‌ها دشوار است.

در سال ۸۲۰ میلادی، خلیفه مأمون عباسی دستور داد هرم را باز کنند. او گمان می‌کرد گنج در آن پنهان است. کارگران ۳ ماه تلاش کردند. سرانجام راهی باریک پیدا کردند. این راه به اتاق شاه می‌رسید. اما گنجی در آن نبود.

در سال ۱۳۰۰ میلادی، زلزله‌ای بخش بالایی هرم را ویران کرد. سنگ‌های سفید روکش هرم فرو ریختند. این سنگ‌ها برای ساخت کاخ‌ها و مساجد قاهره استفاده شدند. امروز تنها ۴ لایه از روکش سفید باقی مانده است.

هرم خوفو هفت عجوبه جهان باستان است. این هرم تنها عجوبه‌ای است که تا امروز سالم مانده است. هر سال میلیون‌ها گردشگر برای دیدن آن به مصر سفر می‌کنند.

قدم عرض است و طول دیوار که ۱۵۶ قدم دارد تا حدی
۵۶ است سنگهای بزرگ در آن بکار رفته از این رو قسمتی
بهترین نمونه بکلیک های قدیمی با بکلیک های قامت در این
محله را تشکیل داده که مثل عصیه گنبد و های دیگر هنوز
اکثریت گنبد و محله که بر او و نجیب شده در این محله تا دیوار زده
و بکلیک های ۱۲ و بکلیک های او در سه ضلع بنا های ۱۲ و ۱۳ است
محیط حضرت عیسی در حالیکه مرمت است و محیط حضرت مریم
که کوتاه است زیاد مرمتی است در این بنا است قبل از ورود
قسمت منزل عمر محمد داده هم مسجد شب ام در بنا های محله
قدیم در آمد از ورود سنگهای بکلیک تا سقف بعد از بکار

منزل با زدیک قلعه دار و دیوار است که از زدیک با بکلیک واقع
شده قدیم قرار اطاقها دارد و قرن انگلیس در این قلعه بود و هر نسبت
به محله قبلی بلاکی خود در پیدا نشد از محله تا این و تخم مرغ و ماست
تشکیل کرده بعد از خرد تن سلام شد قرن شده ان بهبودی بوده
فردای از ورود دکانهای باشه می از ورود به قلعه ۱۲ قدم است
بعد سی جلیل رفتیم دارد قرن دارد از سبیل بنا شده شده سقف های بعد است
بعد سی او دارد قلعه شده که سقف بنای حضرت سلیمان است دیوار های
بکلیک رفیع دارد از سنگهای بزرگ بنا شده قلعه سنگها است قدیم طول
و یک رفیع عرض دارد دارد قلعه شده ابتدا رفتیم زیارت تقریبا ۱۲ قدم

خلیل و کاروانش روضه اکفرت در طرف دیگر آبی در روضه او د

و یعقوب در روضه او  و یوسف و قبر الفی انبیا تا او در مسجد

بزرگی است که در میان مسجد بزرگ است و گنبد شکل بسیار

در میان مسجد و چند از قبر خلیل برآمده که هم اجتماع

اینی مشاره است که طرف دیگر

اهل کهواره اکفرت است مقداری از شک که مشاره باد

باتج و اینا که ۱۰۸ ترجمات آنجا هم اینا دیده از اینجا مراجعت کرده

ظهر امروز بیت المقدس راه هم ۵ با اصفهان بود قریه ناصری

در دامنه کوه هم کرنا با بلندی کوه ابادی دارد و عصر امروز

مجدد از فتح مسجد اقصی اهل مطبوع امروز عصر عجله نبود

و بعلاوه اینکه بنا بود فردای امروز سه نفر از اعضاء [illegible] دیدار کنیم را

مجدد اینها هم طبیعی در اینجا مشغول خواندن قرآن و دعا و روضه

با همدیگر بودند لکن هم مراقب بودند که ما را مشاهده نکنند

عصر بنا به از طرف انجمن مسلمین منتشر شد که امروز شب نوزدهم

فردای امروز فرمیداد و مردم را تحت نظم و آرامی توصیه میکرد

و اینکه همه سال در چنین روزی در مسجد و طلبها جمع شده

مشغول دعا بودند لکن امشب ۳ ساعت از شب گذشته

بیرون بروند و بعلاوه احتمال اغتشاش بود صبح امروز وقت

کردیم با اینکه از فتح بازدید قرار داده و در یکی از محلات بیت المقدس

دعوت شده بودیم و بعد از ظهر بازدید طرف ناصره وقت کردیم با آقای [illegible]

پیش راه بغداد حرکت نمودیم خانه برای خواندن چای ها باز بود
تا وقتی که از خاک فلسطین خارج و وارد خاک اردن شدیم
شب دوشنبه ۱۹ صبح وارد رمثا شدیم و در همان جا
۲۰ و پنجشنبه ۲۱ در رمثا خانه جوعه بودیم صبح جمعه ۲۲
صبح از رمثا حرکت کرده یک ساعت قبل از ظهر وارد
نارخانه چای خوردیم بعد از نماز مغرب از رمثا حرکت
کرده صبح دوشنبه ۲۳ وارد بغداد شدیم و بعد از تنفس
کمرک بغداد ظهر شنبه ۲۳ وارد کاظمین شدیم منزل
تا شب یکشنبه صبح یکشنبه ۲۴ رفتیم بغداد برای اینکه بلیط
اداره بعد از آنکه همه این کاغذهای واضح بجمیع بارا

حواله داد و چون بانک تعطیل بود راحت کرده عصر از بغداد
حرکت کردیم شب سه شنبه ۲۵ و شب چهارشنبه ۲۶ در راه
بودیم منزل چای ایستگاهی صبح چهارشنبه رفتیم کوت منزل سید یاسین
کاظمین نزل کردیم شب پنجشنبه ۲۷ و شب جمعه ۲۸ در کوت
بودیم صبح شنبه از آنجا حرکت کردیم شب یکشنبه ۳۰ آمدیم
روز جمعه عصر رفتیم کاظمین شب شنبه در کاظمین ماندیم روز یکشنبه در بغداد
بوکالت آقا سید ابوالحسن کرده بودیم رفتیم وکیل کاظمین مراجعت کرده
شب یکشنبه همه جمع شب دوشنبه اول در کاظمین ماندیم عصر سه شنبه
از کاظمین حرکت کردیم سیکون نرسیدیم و شب قزوین و بطهران خوشحالی

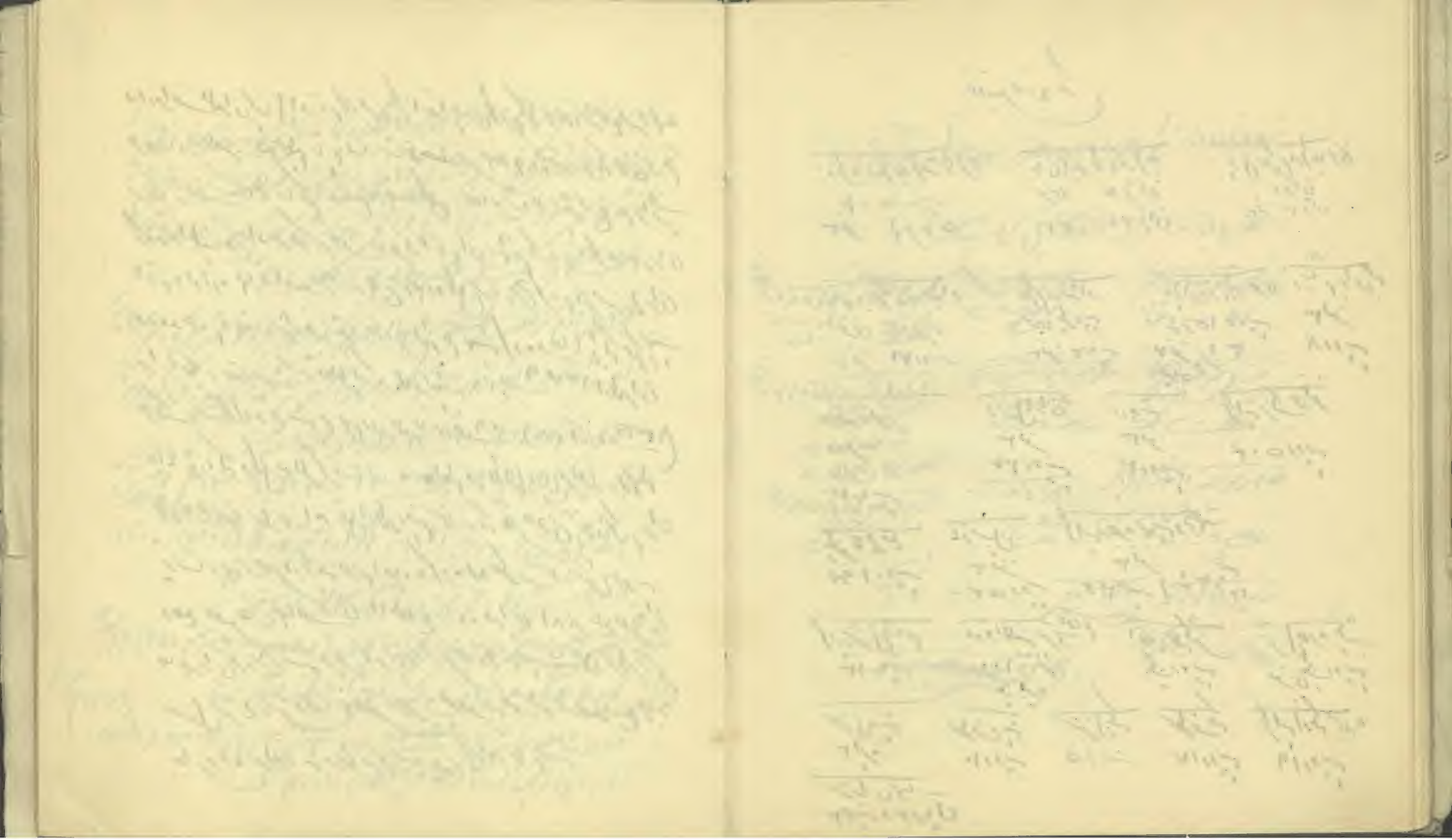

کرجع تقریبان بیست و هفت هزار تومان میشود

در ده الشتان ۱۳۵۴ سالن ۲۱ آبان ۱۳۱۴ بنای عمارت
بیمارستانی و عمارت سردر جلوی آن خاتمه و همان روز افتتاح
قلعه ۱۰ اگر ۱۰ افتتاح آن با حضور علیا و وزرا و رجال دولت
و ملت و سفرا معارف شده و قوای نظامی در اطراف نیز حاضر
و سلک نیابت و بیرقداری نگاه داشته شده و بموزیک نیز افتتاح
و برای سلامت ده صبح روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۱۴ برابر
با روز پانزدهم ماه شعبان ۱۳۵۴ و ولادت حضرت حجت عجل
که روز عید برای ترک و رفتن افتتاح و رفتن نیز نظمی
را حاضر آزادان اطراف و قم آراسته شده و چون وقت تنگ
بود بعضی بهتر بها افتتاح و بنا برای داخلی عمارت گرفت
چند مشکل در قم رفته و دیشب اجزاء و بنا مشغول کار روز
تا ده و در اداره دام عظمت السلطنه بلندیهای موزیکی حاضر

شنبه (۲۱ آبان) در قم نامه نوشته و در ساعت ۱۰ صبح
حاضر شده تا ۱۰ ظهر و در اطاق حفظ به ایراد و پس از آن
بعضی اطاقها و بالاخانی مراجعت نموده و از آنجا به
دقوق ناهار که با کلک دیرستانی گذارده و از آنجا بقم
و در ساعت حفظ پارادگاه و در موقع بنا می توانی بعضی اوقات
نظمی عمارت شده بنا را تعمیر کردم

در سرقف افتتاح بیمارستان فاطمی همدان، کتیبه بالای درب ورودی نصب شده بود
این کتیبه مربوط به بنیاد و بنیانگذار بیمارستان فاطمی همدان است

در عهد دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
این بیمارستان بهمت حسین سمیعی فاطمی اعتمادالتجار همدانی
تاسیس یافته و وقف نامه آن در سال ترویج بنا ۱۳۱۰ هجری
شمسی مطابق ۱۳۵۰ قمری و سال افتتاح ۱۳۱۲
(۱۳۵۱۴)

و کتبه عماد الکتاب کاشی پخته و نصب شده
برای کتیبه مربوط به ورودی بیمارستان فاطمی همدان که
اشتباه به کتبه عماد الکتاب نوشته و کاشی پخته و نصب شده است

ز آب اصدر الزمان شاه بنده — وزیر زاد احمد نامدین او
کمان نجوم از عطای خوش ترش — وین نجوم از صفای خوش ترش
بهلوی آن تهمتن یزدان که بناد — گزارد آن در پاک و ملک خلد

زانکه معمارش چه قصرهای شید — طرح نو افکند و صد چون های نو
بهر بخشش کرد بنیادش قیام در بلد قم — سید عالی نسب شاه کرم
از پی بیمار و خستگان و اعتفا — ساخت شفاخانه چو خلد برین
دارشفا و ملجا و رحمت آشیان — در خور نعت و ثنای بعد و بعد
با شرف و با کمال و مرحمت — در بهم نوعش نیرزد یک مجرد
طارمیش همچنان طارم اخلاق — شمه ای از شش یکی هم در دهم قرن
دارشفایی از پی بیمار و رنجور — گشته بر فرخنده او مقصد
از پی تاریخش ایدل بود مطلع — گفته یک ساده دیگر کس نیابد
در شفاخانه گزارد و صد و نیم — دست تقدیر نهاده کاف سرد
۱۰۸ - ۹۲۱ - ۹۰۳ - ۹۲ - ۱۰۶۴
۱۳۵۰

شوشتری (از پی بیمار خستگان) تاریخ بنا به ابجد کبیر ۱۳۵۰ قمری
و بدان مرقوم تاریخ دراز نوشته شده (این عبارت جمع بعد فهم انتظار -
کتبه عماد بنفی - خاکی نگار نقده)

شهر قم را بنا نمود پسر ضعف
بر شستن بنا مرحوم فضل پیغمبر
ضابط مع سید محمد قمی
محمد پهلوان افغان دوم که از خویشان
بنای دار شفا را بنا نمود پورش
عمارت اتم ابیات گفت تاریخش

بگذاشته و جان داد مرحوم
بر اتباع میمنت دین و مروج ایمان
دلگیر حضرت محمد مصطفی
بشیر تازه تره مرحوم ضعف نشان
تا گفت سرور اولیاء خطاب یا جاودان
هزار و دویست و پنجاه و دو بهار گفت

---

در وقتیکه نعش او خبر و طشتش بنگرانت

۱۱۵۲ طالب نعیم جهان باقی

از آن تحریر حق خدا بود موجب
برای راحت و ترفیع خلق تمام
لهذا در روز دیگر بیان گردید
رضا خواطر انام نوع از آن جهت
تا که سید محمد چهار خود احمد

که از بنا و انام دو انسان باشد
بیان بوشد در کار ایشان باشد
که تا بصنع کبیر آرامش باشد
که بار خدا خداوند دو انسان باشد
بکس نیت غمخوار مردمان باشد

---

محمد محمد پهلوی سرانی

به صنعت بنای مشهور دو جهان بود
با نو شفا خانه نخلی قم
که در خدا و فنا غیر خیال نبود
خدای داد توفیق که تا خلق
بر بنا سید شفا بخشی تا توان بود
سال الصید و پنجاه و دو بهار و هزار
تمام گفت الهی که جاودان باشد

---

دست او دمی سم سعادت قرین کنند

چو عرض اهل جنت و امیر

پس او تا قیامت سعید و موفق بیفتد
در گاه شهنشاه کون و مکان

عمر و دولت خداوند و بنا کرد

که آبیان بنا چه بهر خیرات
محمد فرد و حمام پهلوانگی

که کیفیت ایشان بنظر

پیش بیعت فرشته و بر نفع امر
پس از تراجعت او نیز با اهل آخرتی

که عدل از او بپرداز و بهره ور

ولی چه رضای حق سبحان داد
سید محمد سبیل خیر گیر

در سال ۱۳۱۳ شمسی ۱۳۵۳ قمری مسافرت بمشهد کردم روز پنجشنبه ۱۷ جمادی الاولی بهم
با رفیقم از طهران حرکت کرده شب در قزاقخانه سلطانیه منزل کرده شب
بیست و یکم صبح حرکت و ظهر وارد کهنه شدیم روز شنبه هشتم رجب (۲۳ ح)
حرکت بطهران کرده شب بخوار و شب نهم دامغان و شب دهم سمنان و شب یازدهم
در راه سر (خت سر) و روز پنجشنبه دوازدهم ساعت ۱۲ از ظهر گذشته حرکت
شب دوازدهم دشت ۱۳ رجب صبح طهران رفتیم در این سفر و در بازدهم مهمانخانه منزل کردیم
و روز پنجشنبه مهمانخانه بزرگ بود و ۲۲ مهمانخانه بیش نبود بقیه در روز ۲۳ منزل

در هفتم ۱۴ دیماه ۲۹ بهمن سال ۱۳۱۳ بهم رفیقم از طهران بطرف بیرجند حرکت کردیم شب دهم
و شب ۱۵ در سرچشمه خوار صبح اصفهان شب پنجشنبه نخ پنجشنبه روز پنجشنبه پرواز مهمانخانه بهمن
دیشب از روز پنجشنبه ۳ دیماه منزل آبیانه و شب منزل سیمکرد آنجا دو روز
پنجشنبه عصر بنده در روز ۳ شنبه در باغ ارم مهمان و بلبل بود و شب چهارشنبه منزل آنجا
شب پنجشنبه و روز چهارشنبه در مهمانخانه صبح مهمان شدیم خانم خانمها بود
شب پنجشنبه و روز چهارشنبه در مهمانخانه صبح مهمان شدیم خانم خانمها بود
در اصفهان در موقع مراجعت منزل جایی و شب پنجشنبه منزل صبور حاکم اصفهان
بودیم

در روز ۲۹ بهمن ۱۳۱۶ با اتومبیل مسافرتی بطرف بیرجند کردم ۲۷
صبح روز ۱۴ محرم عصر ۲۷ وارد درشت شده و تا روز ۳ فروردین ۱۳۱۷ (۲۰ محرم
۱۳۵۷ ه) منزل قریب قصبه ای بود با اتومبیل از راه کویر بیرجند وارد شهر شده و روز ۴ فروردین با تومبیل بطرف تهران حرکت کردم

---

در روز هشتم تیر ۱۳۱۷ (۳۰ ربیع الثانی ۱۳۵۷) حرکت بطرف تبریز کردم
شب جمعه در کاروانسرای مهمانخانه در روز جمعه نهار و شب منزل ما ابوعبدالله کاروانسرا
شب یکشنبه در تبریز شنبه مجبور بودیم در راه شب یکشنبه روز ۱۴ تیر بطرف راغه رفته شب در راغه
منزل بزرگ آقایان و شب ۱۵ منزل صوفیان بزرگ راغه صبح ۱۶ از آنجا حرکت کرده
بطرف آقاقر رفتیم مهمانخانه امیراحمد و شب در این منزل بین تکریم و شب یکشنبه
۱۸ در مکاب منزل سردار آقاقر (صبح از قریه [illegible] سردار آقاقر) [illegible]
روز ۱۸ تیر حرکت کرده شب ۱۹ وارد رضائیه شده در آن شب در مهمانخانه و صبح از
خانه و کیل رئیس بانک رضائیه تا صبح ۲۱ تیر که بطرف خوی و از آنجا به تبریز
رفتیم منزل مجبور بودیم شب منزل دکتر فرهود مهمان برادرش مهمان فرهود و شب
ت گاه مهمان ناهار الوزاره و هر روز مهمان هفته مولوی دوام و شب منزل
مجبور بودیم روز یکشنبه ۲۹ تیر از تبریز حرکت کرده شب در میانه و شب روز ۳۰
تیر وارد طهران شدیم

واجب فرقه برشمرده شیخ کمال الدین کرکی واجب عین جواز از شیخ ابوالفتوح الشهید
واجب عین یا از ابوعلی سنجری واجب کفایت پرسیده ابو مسعود الدین کسی واجب
عین یا ابوالبرکات واجب کفایت پرسیده ابوالفضل بغدادی واجب عین یا
شیخ احمد غزالی طوسی واجب عین یا شیخ ابوبکر عبدالعزیز واجب عین از جانب
شیخ ابوالقاسم کرکانی واجب عین از جانب ابوعمران سنجری واجب عین قائم مقام
ابوعلی کمامت واجب عین جواز از شیخ احمد بن محمد علاء ودباسی واجب کفایت
خلیفه شیخ فضیل بغدادی واجب عین از جانب شیخ سری سقطی واجب عین یا
وترتیب نشده معروف کرخی واجب عین از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه
السلام وعلی ابنائه الائمة الحجج والسلام الفقیر حسین الحسینی النعمة اللهی
الطهرانی ۱۳۲۱

بالاخره که در اصل نامه ذوق نشان نداده بود از بعضی ذکر طریقت از اربعین صحبت نشسته
در دل دیده سعید که چیزی بهت و خیال اطلاق دیگر جای خود نبود حضور حضار و توجه کل
انکار کرد نمیکرد دو هزار دینار بر سبیل فقرا و مساکین صدقه السیر تقسیم کرد و از اداء

دیگر فقره ذوقی بگیرد نشده بود مرکز سیر دیگر دیگر که اگر چیزی بگیرد نشده بود و توقف
مراجعت سیر دیگر نمیکرد تا هم وقوم مکرر تمام عالم سیر دیگر جهان بگیرد نشده بود
سیر کبری نان فقر دو تمام اوقات مستغرق ذکر و فکر و مراقبه بودم و چون دو مراقبه
دقایق روشن و مشاهده انوار و چیزها نمیگردم و دلتنگ نمیشدم و میل به تنهائی داشتم
و دشمن میشمردم و قبل از اربعین هم در سیر مراقبه بودم بعد از اربعین که تحول
دیگر دریافت کردم و دوری تازه در نظر نمیگردم و دشمن میشمردم و در سیر
مراقبه میشمردم که در ابتدا که خود را بگیرد نشده میشمردم و از اهالی خانه و شهر و بلد
انس کلی نداشتم و در تمام اوقات سیر مراقبه میشمردم و در اربعین چیزها دیگر
میدیدم — اربعین در لغت چهل روز میگویند و در اصطلاح چهل روز اول سلوک
پیدا کرده بگانه اصطلاح کرده اند و گمان نمیکنم که در تمام عالم سیر از ابتدا
انکار دیدم نان فقر چهل روز باشد بگیرد نشده بود و در این اربعین بقدری تحول
میشمردم که بعد از تمام شدن اربعین و فرود آمدن عوالم دیگر

ذکر حق

بیدار دل کسی شود که اول زنگ شب آلوده دلی نرود و اندیشه
(متقی) ذکر حق بکار و قناعت (قناعت) ظاهر را به قوت حق تر نماید
ساقی و مخمل تر بیکند تر نفس او ورد حق او —

بسم الله الرحمن الرحیم

امیدوار جان طالب الله حق شنوی جند و صفت نا توان را کی حق او تعالی
او جمیع شنوی علم و اطلاع امر و نهی و ثواب و عقاب با کلام و دیدی از جمادات
و بیجانی و ناطق تر کردن معجزات و برید و رسانیدن و ایجاد با کرامت خلق
نسبه و دعوی او اوصاف و نیله خاص با کلام و سوا از غیر خدا و انبیاء مرکوز
دل او برای انوار حق سبحانه و تعالی نازوده و نعمت بعبد ضرورت و انشق
برادر جان عهد و با بهره او زاد و در مخزن دل و سلک اولیاء مطلوبین با هم
عهد و با بهره الی یوم الدین با ظاهر شرع عزیز و با باطن شریف و دقیق
مسرور و بهره ای نکوی قضا و تسلیم و فنا و رضا مراد مشغول قضای الهی
عهد و با بهره ظاهر شرع بیضا و باطن خلیل بخشش کلیم سری جبیب

صوفی ظاهر شرع کامل از دنیا و باطن مخلص بعقل عهد و با بهره ظاهر شرع خالف نفس و هوا را
و باطن طالب طریقت با بهره و دقیق بخشش مشغول گردد عهد و با بهره غافل نفس
و هوا که مشغول بود تا دارای مرتبه حاضر گردد و بر سفره کرامت الهی حق آرد عهد با بهره
الا بکه عادت کند تا دارای مرتبه حاضر گردد از غیر تحمل شاق کند تکلف بر آرد
گردد سالک با بهره خود را در مقابل شیخ کامل بیند بی الفعال دانم که خود و هم کند
و کم خواهیدن و کم با شیدن خود را عادت دهد از روم باطن کاری کند مصاحب
اغیار نرود در وقوع بکره بر دوم و اهل و بیگانه انکند از خدمت خلق نگرداند بلکه
و در شب با بهره حق سبحانه و تعالی از خلق خلوتی کند شب را روز خود سازد
الا بخرقت نگزیند با خدا راز و با خلق باز کند ظاهر و باطن خود را مرتبه با هم کند
با شیخ کامل بکدمت و خدمت و کاهی بعزلت و خلوت مشغول بود از جهت مشروع
و واجبات الهی بیش نکند با هیچ اطاعت کند

بدان ای درویش صاحب با خبر بیش و درویش و هر سه نشی نکوی نه و رک نکی چیز
از خواب بیدار شوی پنج مرتبه الوان نعمت ده کنه و هر نکره اول صبح

اذان واقامه رکعت نافله صبح بعد قرائت الحمد و رکعت فریضه صبح بعد
اقتدا الحمد خوانده اوراد مذکوره العفو الخفی بگو
وظیفه الکبری و تسبیح زهرا علیها السلام گفته نماز بجا آورد بعد
هشتاد و هفت مرتبه الباقی بگوید و سیزده صلوات فرستد
سالکان طریق فوت نکند اول ظهر اذان واقامه رکعت اول نافله ظهر
قرائت الحمد و فریضه ظهر اقتدا الحمد خوانده اوراد مذکوره اوراد مذکوره وظیفه
الکبری و تسبیح زهرا علیها السلام خوانده بعد فریضه نافله دست نکند وقت عصر از
غروب بیست خورد باقیمانده رکعت اول عصر قرائت الحمد و تا آخر
اقتدا الحمد خوانده اوراد مذکوره بعد آل آیه بخواند و صد مرتبه
استغفار بگوید باقی مذکور در زیارت و تحمید و تلخیص بخواند

اول مغرب اذان واقامه رکعت نماز مغرب اقتدا الحمد و رکعت
نافله مغرب قرائت الحمد خوانده اوراد مذکوره العفو الخفی

وظیفه الکبری و تسبیح زهرا علیها السلام گفته نماز بجا آورد بعد نافله دست نکند
از تعقیب گذشته اقامه گفته تا رکوع بی اوراد بعد از نماز رکعت نماز دیگر
گفته اوراد مذکوره والباقی بگوید بجا آورد سجده و هفتاد مرتبه الباقی
در زیارت و حمد و اخلاص بخواند

موقت روز وقت تسبیح در سالکان خلوت و نافله با قرائت تمام بر
اخذ از قعر و بعقبه اد جسم مرتبه ۱۴ مرتبه صلوات فرستاده
یک حمد و سه اخلاص بخواند و در آخر مرتبه بگوید العلی العظیم ذکر در رجعه در زیارت
بعد از ادعیه بلند بگوید بگوید و تسبیح عرض کند

الله ربي محمد نبي الاسلام ودين الكعبة قبلتي امامي الحسن امامي
حسين الشهيد امامي علي بن الحسين امامي محمد بن علي امامي جعفر الصادق امامي
موسى الكاظم امامي علي الرضا امامي محمد بن علي امامي علي محمد امامي
حسن العسكري امامي حجة المنتظر امامي احمد ان الموت حق والبعث
حق والصراط حق والميزان حق والحساب حق والكتاب حق والجنة
حق والنار حق

خبر فوت كبرى بن آدم قمر رحوم حاجي سيد جواد عرف ها است دردي بنك نوشته است

انا لله وانا اليه راجعون

لعمرك ما في الأرض ثلمة واحد ... كموت فتى في قومه وسيد

الناس هوته واهل العلم احياء

لعمرك ما في الأرض ثلمة واحد ... كموت فتى في قومه وسيد

الفناء الى داد البقاء ار عمل سيد فقهاء الاسلام اعلم العلماء الاعلام
الجواد الذي لا بخل له لحاق والمجد الذي اعراه الحاق حليف العلم والدين
المغفور السيد الاجل الحاج سيد جواد الحسيني الطاهري حشر في زمرة
اسلافه الامجاد في يوم الاثنين ثالث عشر صفر سنة ١٣٢٣

باظلمة بنا هل الحق هديها ... وكن وعن اهلها ذلت الهدى اضدعا

مصر الهدى والتقى لما مضى وغدا ... باد الجهالة في الآفاق متسعا

مدارات قبر آخوند ملا محمد طاهر است و بين ازان قبر مرحوم حاجي ميرزا علي رضا دوري
سنگ قبر آقا ميرزا علي رضا نوشته است

هو الحي الذي لا يموت

لقد مات امام الانام ومقتدى العوام مكمل محاسن
الفقراء والايتام مفخر السادات العظام قدوة العلماء الاعلام
من محمد الحسيني الطاهري القمي في احدى وعشرين من شوال المكرم

١٢١٨

هذا المفقود لا هران روني سرايت ودين ... حجر ازين خاكدان بابين وقت
سراج جان شد در وفات او نكاست ... عقل كفتا كه دوني دين وقت

روی سنگ مزار العبد الجليل ونسخة بخطه

بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي بالله العلي العظيم

هذا مرقد السيد العالم الفاضل الكامل الورع التقي الاتقى اعني علامة
عصره وفاخر حاتم خصيات السبق من علماء زمانه معين الطلوبين
ببدره وفاخر السيد الجليل النبيل السيد اسماعيل غفر الله ذنبه
وستره مع اغنية نوع في شهر رجب سنة ١١٢٤

ه سنگ نوشته شده

سيد اسماعيل ان بحر علوم
داشت چون نوح لقای جد عین
سال تاریخش چو کردم جستجو

بجو در اوج شناسان بزد
بگفتا تاریخ او غران بزد
عقل گفتا رونق ایمان بزد
١١٢٤

صفحه سمت چپ — فهرست

مصابیح الاصول تحقیق ٢
جواهر البیته ٢ جلد قدیم
لغتنامه ٢ جلد قدیم
تذکره العلماء
تقریرات خوانساری
مطول
الاشارات ٢ جلد
جواهر القرآن غزالی
توحید الصدوق
لغتنامه جلد ٣ و ٤ چاپ
لغتنامه جلد ٩ چاپ
فصول الدلائل ص ٣٠٠ چاپ کهن

صفحه سمت راست — فهرست

تذکره ٢ جلد
مختصر العلامه الحلی ٢ جلد
منتهی المقال ٢ جلد
محمد علی اردوبادی الشهید ثانی ٢ جلد
معجم الادباء ٣ جلد
تاریخ البلدان
قضاء عروه الوثقی ٢ جلد
ازالة الشک آشتیانی
خواتم السنبله ٢ جلد
ارث الدروس ٢ جلد
رساله نهج الاجتهاد
رساله شیخ الانصاری
عوائد الایام نراقی
نور الابصار ٢ جلد
صفة الصفوة ٢ جلد
الصفات الرضی

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۱۸ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۵۹ وقت غروب شده بطرف ایستگاه راه آهن حرکت کردیم و ساعت هشت و چهل و چهار دقیقه بعد از ظهر موتور اصفهان حرکت کرد همراهان عالم و معتبر و بسیار خانم دیگر بودند یا عده که در قطار بودند وداع کرده و سوار شدیم شب جمعه و روز جمعه و شنبه بدوراه بودیم روز جمعه بواسطه خرابی محور یکی از واگن‌ها که پیچ‌های کل خراب شده بود و باید با ترن دیگر که از اهواز میآید ۸ ساعت معطل شدیم و بالاخره شب یکشنبه اهواز رسیدیم صبح یکشنبه ۱۸ بهمن وارد اهواز شدیم و در کمپانی نه گارن منزل کردیم راه آهن مبدل بدو از اهواز بخرم‌شهر بواسطه باران که خراب شده و رفتن قطار ممکن نبود باید با کشتی از رودکارون رفت کشتی خوب نبود مگر اینکه در کشتی کمپانی رفت لنج خصوصی برای ما تدارک نمودند سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۱۸ مطابق ۳ صفر ۱۳۵۹ لنج کشتی کمپانی حرکت کرد و در همان کمپانی منزل داشتیم صبح زود عده‌ای عمده آقایان اهواز در کشتی کمپانی از ما دیدن نمودند ساعت نه صبح بکشتی خودمان رفتیم ساعت شش و نیم بعد از ظهر وارد خرم‌شهر شدیم قشون زیاد خرم‌شهر طرف رودکارون بواسطه تولد اعلیحضرت همایونی توپ شلیک کردند و صف قشون ساعت سه بعد از ظهر روز جمعه ۲۴ بهمن از خرم‌شهر با اتومبیل حرکت کردیم قبل از ظهر روز جمعه به آبادان رفته با مدعا محمد خانمی در بوشهر نه کمپانی تلفن بود عیادت کردیم همراهی جمع محمد حسین بزدی که در خرم‌شهر بود و بعد از ظهر چای در منزل جمع عیده کرده بود از طرف جمعی که در خرم‌شهر بودند تلگراف ایران ما را بدیدن کردند

بادر خاطر رئیس کمپانی آبادان رود کارون و کمپانی خلیل پور رئیس کمپانی خرم‌شهر قبل از ظهر نزدیک غروب جمعه وارد آبادان شدیم و شنبه را آنجا بودیم و در کمپانی نه منزل کردیم مسمی به المنزل الرشید روز یکشنبه ۲۵ بهمن ساعت هفت بعد از ظهر در راه آهن نشسته و شب یکشنبه در راه بودیم روز یکشنبه ۲۶ ساعت نیم بعد از ظهر وارد کرمانشاه شده در خانه کمپانی منزل کردیم تا روز سه‌شنبه که بلد بودیم روز سه‌شنبه ۲۸ بهمن (۹ صفر ۱۳۵۹) از کرمانشاه رفتیم و در خانه کمپانی منزل کردیم موقع تحویل داخل کیف در روز پنجشنبه اول فروردین ۱۳۱۹ کیف بودیم روز چهارشنبه ۷ ساعت بغلبه از کیف خارج شدیم و تا روز چهارشنبه هفتم فروردین ۱۳۱۹ کیف بودیم روز چهارشنبه ۷ ساعت بغلبه از کیف خارج شدیم و تا روز چهارشنبه ۲۱ فروردین (اول ربیع الاول ۱۳۵۹) کرمانشاه بودیم روز چهارشنبه کاظمین رفتیم روز چهارشنبه ۲۸ بهمن از کاظمین بلاد ساعری حرکت و ۵ نرسیده بسامرا توقف و زیارت کردیم و تا روز سه‌شنبه ۳۱ فروردین ساعری بودیم در روز سه‌شنبه قبل از ظهر از ساعری بلاد کاظمین حرکت کردیم روز چهارشنبه ۷ ام از بهمن از کاظمین بکرمانشاه رفتیم در روز چهارشنبه ۱۹/۲/۴ از کرمانشاه حرکت کرده بکیف رفتیم وارد منزل ۵ شدیم صاحبخانه شیخ رشید بود اولاد خوشحال در کیف بودیم در روز یکشنبه ۸ ام از بهمن (۱۳۱۸) از کیف بکرمانشاه رفته در روز چهارشنبه ۱۹/۲/۱۱ رفتیم کاظمین در روز سه‌شنبه ۱۹/۲/۱۷

(۱۲۱)

۱۸ مرقوم عجم بر لسید ابن قاسم ولد مرحوم اعلاء الدین لسید محمد تقی الفاطمی

بکم دوران ما افتاده ادر — ترک خاطر در بر او ادر
جوانی خود در ادب و اخلاق — ولی ادهاف بلکش بجد در
بگاه امتحان فضل و دانش — بودی کوی از اقرانش سرامر
خود پرسید از نیال و خانش — هم از فضل خدا باد او دراخر
بگفتم خاطر ان با دل شاد — ببرد خاطه با نوی محمد

کمترین فاضل و لک کرده شد در حاقین با نزه صبح از حاقین و لک ظهر در فروی با نزه
شد وارد کرمانشاه شد شنبه روز شنبه ۱۹ از کرمانشاه و لک دشت قروی با نزه
روز جمعه بیستم اردیبهشت ۱۳۱۹ (اول ربیع الثانی ۱۳۵۹) وارد طهران و منزل
شد

(۱۱۲۱)

در وسط قبرستان قدیم که جنب صحن حضرت معصومه است محوطه بقعه معروف بشمعدان
ابن اوقات آن قبرستان محدوده در وسط باغ مهدی آباد و عمارات اطراف
باغ درآمده اند که از باغ ها گویند در وسط آن باغ محوطه شمعدان را باقی
گذارده اند در این محوطه چند اطاق و ایوانی بنا کرده اند متعلق بعلماء و مدفن
معروف از طرف جنوب که وارد شمعدان شوند در طرف جنوب بقعه مرحوم میرزا ابوالقاسم
جیلانی قمی صاحب قوانین است و در طرف شمال آن در محله کبیر بقعه زکریا بن آدم
در بقعه زکریا بن آدم قبور چهار نفر ذکر میشود که موجود است بترتیب ذیل از جنوب بشمال

۱ قبر زکریا بن آدم ۲ قبر حاجی کبیر جد اعلی حاجی میرزا ابوالقاسم ۳ قبر آخوند ملا محمد تقی

۴ قبر حاجی میرزا علیرضا جد حاجی میرزا ابوالقاسم ۵ قبر آقا سعد الجلیل ۶ قبر میرزا ابوطالب

در روی قبر زکریا بن آدم نوشته شده است (هذا مرقد الشیخ النبیه النقیه الجلیل
النبیل الدین الماهون علی الدنیا والدین الزکریا بن آدم ابن عبدالله
ابن سعد الاشعری القمی رضی الله عنه وارضاه وفی الجنة علیین
ومثواه وهو من اجلة اصحاب الصادق والرضا والجواد صلوات
الله وسلامه علیهم اجمعین فی سنة ۱۱۳